

# نزاع جناح‌های حکومتی بر سر مذاکره با آمریکا

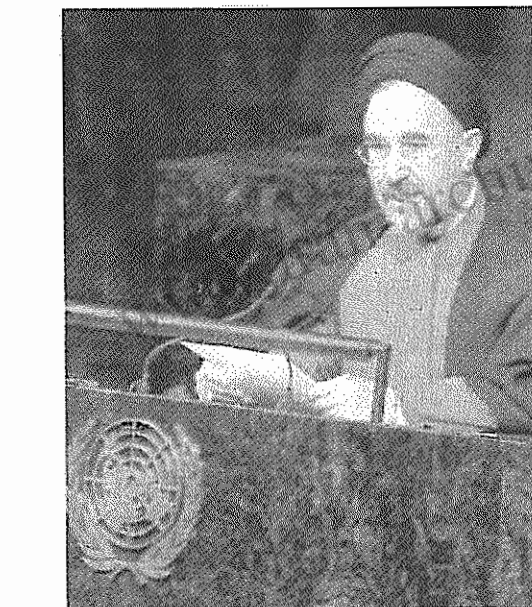
خامنه‌ای هر مقام و مسئولی که آرمان‌های نظام را قبول ندارد، ادامه مسئولیت بر او حرام است.  
شایعه استعفای خاتمی تکذیب شد.

ره‌آورد محمد خاتمی از سفر نیویورک و شرکت وی در پنجاه و ششمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل چه خواهد بود؟ پیام رئیس جمهور ایران به اجلاس ویژه «گفتگوی تمدن‌ها» چیست؟ آیا محمد خاتمی در روزهای ۱۷-۱۹ آبان در اجلاس‌های «مجمع عمومی» و «گفتگوی تمدن‌ها» در برابر نمایندگان ملل جهان چنان ظاهر خواهد شد که خواست مردم ایران است و چنان صریح و شفاف سخن خواهد گفت که جهانیان در انتظار شنیدن آن از زبان رئیس جمهور ایران هستند و یا در بسند اندرزهای اخلاقی و شعارهای کلی باقی خواهد ماند و ایران فرصت دوباره‌ای را برای پیوستن به روندی که بعد از ۱۱ سپتامبر آغاز شده از دست خواهد داد؟ خاتمی صبح پنجشنبه ۱۷ آبان پیش از ترک تهران به مجمع خبرنگاران گفت در مجمع صلح بجای ائتلاف برای

جنگ سخن خواهد گفت و پیش‌بینی کرده که از پیشنهاد وی استقبال خواهد شد. از نگاه رئیس جمهور ایران که تمایل داشت از تریبون سازمان ملل درباره «گفتگوی تمدن‌ها» و تشکیل ائتلاف جهانی صلح سخنرانی کند، زمان برگزاری مجمع عمومی چندان مناسب و مطلوب نبود و شرایط در داخل و خارج از ایران بگونه‌ای بود که او تا آخرین لحظات برای رفتن به نیویورک تردید داشت. سفر خاتمی در حالی انجام گرفته است که در افغانستان گل‌وله‌ها سخن می‌گویند، نگاه خبرنگاران و تحلیل‌گران رسانه‌های بین‌المللی روی اخبار جنگ و پیروزی‌های نظامی در افغانستان متمرکز شده و در داخل ایران درگیری میان محافظه‌کاران به رهبری خامنه‌ای و اصلاح‌طلبان حکومتی اختلاف بر سر مذاکره با آمریکا اوج گرفته است. رهبر جمهوری اسلامی، فرمانده سپاه پاسداران، رئیس قوه قضائیه و سایر رهبران

محافظه‌کاران از ۱۱ سپتامبر در حال رجزخوانی و تهدید کسانی هستند که از ضرورت مذاکره با آمریکا و توجه به منافع ملی ایران سخن می‌گویند و عملاً با تهدیدهای خامنه‌ای در درون اصلاح‌طلبان حکومتی بر سر مذاکره با آمریکا شکاف ایجاد شده است. محتشمی پور رهبر فراکسیون جبهه دوم خرداد در مجلس در این عرصه به صفوف محافظه‌کاران پیوسته اما مدافعان مذاکره نه تنها تسلیم فشار محافظه‌کاران نشده‌اند بلکه با صراحت بیشتر از پایان دادن به دشمنی ایدئولوژیک با آمریکا دفاع می‌کنند و دریافته‌اند که از خواست مذاکره با آمریکا بعنوان ابزاری برای تقویت مواضع خود، بسج افکار عمومی و تضعیف محافظه‌کاران بهره‌گیری

در دیدار از استان اصفهان برقراری رابطه با آمریکا را رد کرد و پیروی از این سیاست را عدول از آرمان‌های نظام خواند. خامنه‌ای گفت: سیاست جمهوری اسلامی مبنی بر نفی هرگونه مذاکره و رابطه با دولت آمریکا حاصل مطالعه و دقت همه جانبه، تامل در تجربیات کشورهای مختلف و مشورت با صاحب‌نظران و اندیشمندان بوده است. وی با اشاره به اینکه مسئولان هم می‌توانند برای خود آرا و عقایدی داشته باشند، خود را مرجع نهایی اختلاف‌نظرها



خامنه‌ای مخالف برقراری رابطه خامنه‌ای روز سه‌شنبه ۸ آبان

## اطلاعیه هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) علیه محاکمه غیر علنی اعضای نهضت آزادی اعتراض کنیم!

### تداوم اصلاحات درگرو تغییرات در قانون اساسی

ما در شماره قبلی نشریه کار اظهار نظر در تن از اصلاح‌طلبان را پیرامون ضرورت «نقد قانون اساسی» و «نفی ابهامات قانون اساسی» نقل کردیم. موسوی خوینینی‌ها یکی از عناصر برجسته اصلاح‌طلبان حکومتی در جمع دانشجویان گفت: «اگر اجازه نقد قانون اساسی را ندهیم ممکن است به نفی آن بیانجامد». و محسن سازگارا نیز اظهار داشت که: «ابهامات قانون اساسی باید نفی شود»

سکوت سایر اصلاح‌طلبان حکومتی در طی دو هفته اخیر در مورد قانون اساسی نشان داده که آن دو، دیدگاه‌های شخصی خود را بیان کرده‌اند و جبهه دوم خرداد مصمم به طرح ضرورت نقد قانون اساسی نیست. ابتدا بنظر می‌رسید که موسوی خوینینی‌ها با توجه به موقعیت و جایگاهش در بین اصلاح‌طلبان حکومتی پیش قدم شده است که تا این موضوع را طرح و راه را برای اظهار نظر سایرین باز نماید. تا اظهار نظرها بتوانند بدریج به یک جریان قوی در جامعه فرا روید و آن هاله قدسی که پیرامون قانون اساسی کشیده شده است، بشکند و قانون اساسی از زاویای مختلف مورد نقد و بررسی قرار گیرد و راه بازنگری و ایجاد تغییرات در آن گشوده شود.

اظهار نظر خوینینی‌ها و محسن سازگارا بازتابی نیافت و آن تک صداهای خاموش شد. نصیحت موسوی خوینینی‌ها که از موضع دفاع از نظام حرکت می‌کند، گوش‌های شنوایی پیدا نکرد و نقد قانون اساسی در دستورکار اصلاح‌طلبان حکومتی قرار نگرفت. بقول ایشان باید منتظر روزی بود که نفی جای نقد بنشیند که در آن زمان دیگر روی آوردن به نقد برای اصلاح‌طلبان حکومتی دیر خواهد بود. محافظه‌کاران و در رأس آن ولی فقیه کوشیده‌اند که آنچنان تقدسی به قانون اساسی ببخشند که هرگونه طرح بازنگری قانون اساسی بعنوان خیانت به نظام و سرنوشتی آن بحساب آید. منافع باند ثروت - قدرت هم در حفظ قانون اساسی است. آنها که بجهت وضعیت سیاسی کشور قادر به حذف جمهورییت نظام نمی‌باشند، با تمام قوا در مقابل کوچکترین تغییر در قانون که طبعاً در سمت منافع آنها نخواهد بود، ایستاده‌اند. اما آنچه جای پرسش دارد، تمکین ادامه در صفحه ۳

### محاکمه غیر علنی اعضای نهضت آزادی ایران

می‌باشد مطرح گردیده، بنابراین پخش آنها باعث تحریک احساسات مذهبی گردیده که از نظر دادگاه اعلام آنها صحیح نمی‌باشد.

ج: علاوه بر موارد فوق در طول مدت تحقیقات، متهمین از افراد و شخصیت‌هایی نام برده‌اند که بعضاً سوابق طولانی خدمت در نظام جمهوری اسلامی داشته و صحت و سقم مطالب مطروحه علیه آنان بر دادگاه معلوم نیست، لذا دادگاه بصورت غیر علنی برگزار خواهد شد.

قوه قضائیه چند ماه پیش ۳۵

محاکمه غیر علنی ۲۰ تن از اعضای نهضت آزادی از روز یکشنبه ۲۰ آبان آغاز شد. روابط عمومی دادگاه‌های انقلاب اسلامی تهران اعلام نمود:

الف: باتوجه به اینکه اتهامات اعضای نهضت آزادی در پرونده اقدام علیه امنیت کشور با هدف براندازی بوده، لذا پخش مطالب دادگاه مخل امنیت کشور و تعلم عمومی می‌باشد. ب: با عنایت به اینکه در پرونده از سوی متهمین مطالبی که بعضاً مقدمات مذهبی

### موج بیکاری در راه است

به گفته مدیرکل تحقیقات و پژوهش وزارت تعاون افزون بر ۲۰ میلیون نفر در ایران در حال تحصیل هستند که بزودی به شکل یک موج وارد بازار تقاضای کار می‌شوند. به گفته وی از مجموع ۶۴ میلیون نفر جمعیت ایران ۷۰ درصد در گروه‌های سنی کمتر از ۳۰ سال قرار دارند.

جعفر عسگری که در همایش «ارائه یافته‌های طرح تحقیقی زمینه‌یابی تشکیل تعاونی‌های اشتغال‌زا» به

فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها» سخن می‌گفت بافت جمعیت ایران را با سراسر و دارای آگاهی دانست، و گفت سطح آگاهی جمعیت جوان سطح انتظارات را نیز افزایش داده است، و این در حالی است که جامعه نیز قادر به پاسخگویی به انتظارات نیست. وی گفت: اگر از بافت جمعیت کشور بعنوان یک فرصت برای توسعه استفاده نشود، این فرصت بدل به تهدید شده و لشکر بیکاران جامعه با انواع مشکلات مواجه خواهد شد.

### بیانیه هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در باره بمباران یکماهه افغانستان

#### ما خواهان توقف بیدرنگ

#### بمباران افغانستان هستیم

در صفحه ۲

اعلامیه بخشی از اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان (حزب وطن)

#### پیرامون اوضاع کنونی افغانستان

در صفحه ۱۱

#### سیاست‌ها و وظایف ما در مورد

#### جنبش کارگری

#### و مطالبات کارگران و زحمتکشان

مصوبه هیئت سیاسی - اجرائی

در صفحه ۴

#### کمیسیون زنان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت):

#### با حضور در استاد یوم فوتبال

#### به سیاست‌های تبعیض آمیز جنسی

#### اعتراض کنیم!

در صفحه ۲

#### \* پذیرش «حق شادی»

#### دستاورد جنبش جوانان

#### جوانان حق اعتراض می‌خواهند

در صفحه ۵

#### \* جوانان در سایه و روشن‌های یک تحقیق

در صفحه ۵

#### قوه قضائیه یا شبکه توطئه و سرکوب

عبدالکریم لامیجی

در صفحه ۶

#### سیستم خالق جنون گاوی

#### جنون آدمی می‌آفریند.

ب. کیوان

در صفحه ۷

#### نگاهی به مواضع راست‌گرایان

#### طرفدار دولت آمریکا

#### در قبال حوادث اخیر

سهراب مشیری

در صفحه ۸

#### صدور حکم اعدام برای رضا عاملی

۳۱ دیوانعالی اعتراض کرد. اتحادیه ملی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ایران با صدور اطلاعیه‌ای از سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر تقاضا کرد آنچه در توان دارند در جلوگیری از اجرای این حکم ناعادلانه و غیرانسانی بکار گیرند.

حکم اعدام رضا عاملی از اعضای گروه سیاسی - مذهبی مهدویت توسط قوه قضائیه صادر و بوی ابلاغ گردیده است. وی طی نامه‌ای به شاهرودی نسبت به حکم ابلاغی و روند رسیدگی به پرونده‌اش در شعبه ۲۰ دادگاه انقلاب و تأیید شعبه

### دیپلماسی مخفی در خدمت کیست؟

در هفته های اخیر در ارتباط با تحولات بین المللی، صحنه سیاست داخلی ایران این آرایش را گرفته است که برخی اصلاح طلبان پیرامون دولت خاتمی، درباره لزوم تجدید نظر در مثنی ضد امریکایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی و همکاری با سایر دولت ها در مبارزه با تروریسم سخن می گویند و در مقابل، خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی گفته است هر سخنی به طرفداری از بهبود مناسبات ایران و امریکا ممنوع است. آیت الله شاهرودی رئیس قوه قضائیه در اجرای این اراده رهبر، همه طرفداران تجدید نظر در سیاست خارجی را تهدید به تعقیب قضایی کرده است.

این، ظاهر قضیه است. اما به نظر می رسد در پس پرده این آرایش قوا، تحولات دیگری در جریان است که از معرض دید افکار عمومی ایران پنهان است. هفته گذشته مطبوعات غربی گزارش دادند تصمیم به فرخواندن پاسداران از لبنان، بوسنی و سودان مورد حمایت آیت الله خامنه ای است. همچنین گفته می شود جمهوری اسلامی می کوشد نظر مساعد امریکا را نسبت به همکاری اطلاعاتی دو دولت جلب کند. معلوم نیست این تلاش به ابتکار کدام جناح از حکومت جمهوری اسلامی صورت می گیرد.

آنچه مسلم است، این است که مردم و افکار عمومی ایران آخرین کسانی هستند که از این گونه تحولات دیپلماتیک مخفی جمهوری اسلامی اطلاع می یابند، آن هم نه با خواندن بیانیه های رسمی دولت ایران، بلکه از طریق اخباری که در رسانه های خارجی منتشر می شود.

دیپلماسی مخفی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی سابقه ای دیرین دارد. پیروان آیت الله خمینی که در سال ۱۳۵۸ دولت مهندس بازرگان را از جمله با دستاویز قرار دادن ملاقات علنی مقامات دولت وقت با برژنفسکی مشاور امنیت ملی رئیس جمهوری وقت امریکا وادار به کناره گیری کردند، خود یکی مذاکره ای را که به آزادی گروگان های امریکایی در سال ۱۳۵۹ انجامید، مخفیانه پیش بردند و هنوز هم پس از دو دهه همه جزئیات توافق ایران و امریکا روشن نیست و معلوم نیست این تیم رونالد ریگان نامزد آن زمان حزب جمهوریخواه و جمهوری اسلامی چه تماس هایی برقرار شد.

چند سال بعد سفر مخفیانه مک فارلین به تهران و ماجرای ایران گیت، تنها به خاطر درز کردن اخبار مربوطه از داخل رژیم به یک نشریه لبنانی بر ملا شد. آیت الله خمینی به شدت از افشای این راز بر آشفته و بعدها شاید همین خشم، به اعدام مهدی هاشمی به جرم رساندن خبر سفر مک فارلین به لبنان انجامید.

این سنت دیپلماسی مخفی در سال های بعد نیز ادامه یافت. در آستانه انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۶، محمد جواد لاریجانی به نمایندگی از سوی ناطق نوری به انگلیس رفت تا دولت این کشور را متقاعد کند محافظه کاران ایرانی مطمئن ترین طرفهای مذاکره و معامله برای غرب هستند.

مخاطف کاران که مردم را نامحرم می دانند و دیپلماسی مخفی را پیش می برند تا انحصار بهره برداری از بهبود احتمالی مناسبات با غرب را به دست گیرند. در راستای همین مثنی به شدت در مقابل تلاش های رقبای حکومتی خود برای تشنج زدایی در مناسبات خارجی جمهوری اسلامی مقاومت و کارشکنی می کنند. برخی از نمونه های این کارشکنی دستگیری و محاکمه یهودیان در استان فارس، دستگیری و محاکمه شرکت کنندگان در کنفرانس برلین و اکنون بر هم زدن تلاش های اصلاح طلبان برای تغییر سیاست خارجی ایران است.

در عین حال دولت خاتمی نیز به سنت دیپلماسی مخفی پایبند است و با اینکه خاتمی اخیراً گزارش های مربوط به تماس های مخفی دولت خود با غرب را فاش کرده، مضمون و اهداف مذاکرات دولت خاتمی با امریکا و سایر کشورهای غربی از دید مردم پنهان مانده است.

دیپلماسی مخفی در خدمت کسانی است که اعمال کنترل دموکراتیک بر سیاست های خود را تحمل نمی کنند و از این بیساختگی که چنین کنترلی اهداف و نیت واقعی سیاست های آنها را بر ملا کند. اگر این اهداف و نیت، مطابق با منافع ملی مردم ایران بود، نیازی برای پنهان کردن آن وجود نداشت. ما توقع نداریم که همه جزئیات مذاکرات و مواضع ایران در مذاکرات علنی شود. اما در همه کشورهای دنیا که کنترل دموکراتیک بر کار دولت را پذیرفته اند، رسم است که افکار عمومی از روش سیاست خارجی و خواسته های دولت خود از سایر دولت ها و امتیازاتی که دولشان متقابلاً به سایر دولت ها می دهد، آگاهی می یابند. در ایران چنین نیست. در حالی که جناح های حکومتی برای کسب امتیاز و موفقیت در سیاست خارجی با یکدیگر مسابقه می دهند، مردم از کم و کیف توافق هایی که در این راستا با سایر دولت ها صورت می گیرد بی خبرند.

ما خواهان سیاست خارجی فعالی هستیم که اصول ناظر بر آن در یک گفتگوی فرگیر می فرموله شود. تنها چنین روند دموکراتیکی است که متضمن رعایت مصالح ملی کشور ما در مذاکرات بین المللی است. تنها دولتی می تواند با ((اقتدار)) در روابط بین المللی خود عمل کند که متکی به پشتیبانی وسیع افکار عمومی داخلی باشد. دولت جمهوری اسلامی از این ویژگی بی بهره است و بنابراین، مردم حق دارند به شدت به فعالیت های دیپلماتیک مخفی مقامات این دولت بدبین باشند. مردم ایران که بیست سال طعم تلخ بر باد رفتن منافع ملی خود بر اثر سیاست های خانمان برانداز جمهوری اسلامی را چشیده اند، به کارگزاران سیاست خارجی دولت خاتمی که تقریباً بدون تغییر همان کارگزاران سیاست خارجی دولت های قبلی اند، اعتماد ندارند.

اگر دولت خاتمی بر آنست که چنین اعتمادی را به دست آورد، باید با سنت دیپلماسی مخفی وداع کند و برای فرمولبندی یک سیاست خارجی منطقی با منافع ملی ایران، به بحثی فراگیر و ملی کمک و توجه کند. موفق ترین سیاست خارجی، سیاستی است که در اتخاذ آن به نظرات و مواضع نیروهای غیر حاکم نیز توجه شود. اعمال کنترل دموکراتیک بر سیاست خارجی، باید با مشارکت اپوزیسیون در تدوین سیاست خارجی همراه باشد. سیاستی که از چنین روندی برخوردار است، محکم ترین پایه ها برخوردار است. در مقابل هر قدرت خارجی و به ویژه قدرت های ژورنونی طلب مانند امریکا اگر بدانند با دولتی سرو کار دارند که پاشنه آشیل آن، افکار عمومی داخلی است، زمینه را برای گرفتن امتیازهای ناعادلانه از طرفهای مذاکره خود مساعد می بینند.

همانگونه که روزنامه نوروژ در سرمقاله شماره ۱۴ آبان خود نوشت، ((اصیل ترین عمل ضد سلطه، تقویت بنیان مشروعیتی حکومت خاتمی، و این امر در شرایط کنونی جز از طریق پذیرش حاکمیت مردم و قانون و بسط و گسترش آزادی ها از هیچ راه دیگری میسر نیست، زیرا اگر این اصول در حاکمیت پذیرفته نشود، برای تداوم حکومت چهاره ای جز سرکوب باقی نمی ماند. و سرکوب نیز در دنیای فعلی در درازمدت تنها و تنها با حمایت قدرت مسلط امکان پذیر است، و ما به ازای این حمایت نیز منافع ملت را در پیش پای سلطه حرام کردن است.))

### بیانیه هیأت سیاسی اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در باره بمباران یکماهه افغانستان

### ما خواهان توقف بیدرتنگ بمباران افغانستان هستیم

هیأت سیاسی اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با تأکید بر مواضع و دیدگاههای اعلام شده در اعلامیه ها و نزدیک نشان دهد و حضوری هر چند کم مردم در این تظاهرات و قطعنامه شورای مرکزی سازمان، خواهان توقف بیدرتنگ بمباران افغانستان توسط امریکا و انگلستان، و بر آن است که اعمال فشار نظامی علیه حکومت طالبان باید با محوریت سازمان ملل متحد انجام گیرد و این کار را مسالمت آمیز برای استقرار یک دولت فراگیر و مسئول در افغانستان زیر نظر این سازمان صورت پذیرد.

عناصر مرکزی در راه حل بحران افغانستان حکومت جانشین طالبان، روند حصول این حکومت و ابزار تحقق آن است و شاخص موضع باز یگران مختلف صحنه سیاسی افغانستان نیز همانا پاسخی است که به حکومت جانشین طالبان می دهند و طریقی که برای استقرار حکومت مورد نظرشان پیش می گیرند.

افغانستان تاکنون تجربه سنگین و پردردی را از انواع حکومت های انحصاری و قوم یا مذهب مدار از سر گذرانده است. این تجربه نشان می دهد که بگانه طریق ثبات و آشتی در افغانستان استقرار حکومت ائتلاف ملی است که در روند مصالحه ملی و زیر هدایت سازمان ملل شکل گرفته باشد. این حکومت ائتلافی قطعاً باید پایتاپ همه اقوام و مذاهب ساکن افغانستان باشد، اما همچنین قطعاً نمی تواند تنها ائتلافی قومی و مذهبی باشد.

بازسازی افغانستان، سواى کمک های گسترده جامعه جهانی، نیازمند مشارکت عموم نیروهای سیاسی و گرایش های اجتماعی مدنی آن، از جمله نیروهای لائیک، روشنفکران، دموکرات ها، نمایندگان جنبش های اجتماعی زنان و دیگران است؛ نیروهایی که بر مبانی قومی یا مذهبی تعریف نمی شوند.

ما از کوششهایی که برای استقرار حاکمیتی ائتلافی از نمایندگان اقوام، مذاهب و گرایش های سیاسی و اجتماعی افغانستان در روند آشتی ملی و زیر هدایت سازمان ملل متحد صورت می گیرد حمایت می کنیم و بر این اعتقادیم که تنها چنین حاکمیتی می تواند تأمین کننده ثبات و آرامش استوار در افغانستان و تأمین کننده شرایط بازسازی افغانستان باشد.

مواضع جمهوری اسلامی در قبال اوضاع افغانستان بطور کل و در قبال حکومت جایگزین طالبان بطور خاص، متناقض، انتفالی و مغایر با منافع ملی ایران بوده است. تحرک نسبی و مواضع بموقع و مسئولانه دولت خاتمی در روزهای نخست پس از ۱۱ سپتامبر در قبال عملیات تروریست، بلافاصله جای خود را به میداننداری ولی فقیه و برآمدهای بغایت غیرمسئولانه و تحریک آمیز رهبر حکومت داد. اکنون سیاست خارجی جمهوری اسلامی در موضوع افغانستان در چنبره تناقض چندین جانبه ای است: اول آن که از سوی دو جناح عمده حکومتی دو سیاست آشکارا متفاوت به مناسبات خارجی کشور ما حقه می شود، دیگر آن که در کارزار ضد تروریستی پدید آمده و در این ارتباط که جمهوری اسلامی

بیش از یکماه از آغاز یورش هوایی امریکا و انگلیس به افغانستان می گذرد. این یورش که با تلفات انسانی بسیار و نتایج سیاسی ناملموس مشخص می شود، با دور زدن شورای امنیت سازمان ملل متحد آغاز شد و همچنان بدون نظارت این ارگان ادامه دارد.

میتگران این عملیات نظامی ترور جنایتکارانه ۱۱ سپتامبر را، که همدردی جهانیان با سازمانندگان قربانیان و مردم امریکا و خشم بین المللی علیه تروریست ها و تروریسم را برانگیخت، جواز آن می دانند تا نه تنها متحدانشان در ناتو، بلکه همگان به به تأیید تصمیمات آنان برخیزند و صرفاً دنبالدرو واشنگتن باشند. از سوی دیگر بسیاری از افغانستان که اکنون بکارگیری بمبافکن های ب ۵۲ و بمب های خوشه ای بطلان ادعاهای دایر ((محدود بودن به اهداف نظامی)) و ((تمیزبودن)) آن را عیان کرده است، هنوز هم در بهم زدن توازن قوای سیاسی علیه حکومت طالبان موفقیت جدی به بار نیاورده است. این واقعیت تنها با دیپلماسی امریکا در افغانستان قابل تبیین است و از منافع سیاسی امریکا و متحد آن، پاکستان، نشأت می گیرد.

در مقیاس جهانی این باور رو به افزایش است که مثنی ((ضد تروریستی)) واشنگتن پیش از همه در خدمت حضور نظامی مستقیم امریکا در آسیای میانه است و جرح بوش و تیم حکومتی او واقعه ۱۱ سپتامبر را عدالتا برای استفاده ابزاری از آن به کار گرفته اند.

مرور بر اوضاع دو ماه گذشته هر چه بیشتر روشن می کند که بهره گیری خردمندانه از شرایط پدید آمده پس از ۱۱ سپتامبر برای مبارزه جهانی علیه تروریسم بطور عامه و بر ضد دارو دسته اسامه بن لادن و حکومت طالبان بطور خاص، صورت نگرفته است. در شرایطی که اراده نیرومندی در مقیاس جهانی می توانست فراهم آید و هنوز نیز می تواند فراهم آید تا فشار بر طالبان و حامیان آن، و توأماً اقدام برای ایجاد یک حکومت فراگیر، ملی و مسئول در افغانستان، و نیز با فشار بر دولت ماجراجوی اریل شارون در اسرائیل و به رسمیت شناختن دولت مستقل فلسطین مبارزهای موفقیت آمیز علیه تروریسم آغاز گردد، روندی پیش رفته است که نتیجه آن تاکنون منفی بوده است. در افغانستان فاجعه انسانی، از کشتار تا آوارگی و گرسنگی میلیونی، عمیق تر شده است؛ در فلسطین دامنه اشغالگری نظامی اسرائیل گسترش یافته و بنیادگرایان فلسطینی میداندار شده اند. در پاکستان وضع بحرانی پدید آمده و گرایش طرفدار طالبان تقویت شده است... این همه ناشی از آن است که خواست جهانی به جای آن که از مجرای واقعی خود یعنی سازمان ملل متحد تحقق یابد، در چنبره منافع و سیاست های پرتی جویانه، و انحصار طلبانه امریکا گرفتار آمده است. فرصتی طلایی برای اقدام مشترک بشریت علیه تروریسم، چه در اشکال دولتی و چه در انواع گروهی آن، و امکانات مثبت پدید آمده در این زمینه رو به افول نهاده اند.

### اطلاعیه هیئت سیاسی - اجرایی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### علیه محاکمه غیر علنی

### اعضای نهضت آزادی

### اعتراض کنیم

امروز محاکمه غیر علنی عده ای از اعضای نهضت آزادی ایران آغاز شد. روابط عمومی دادگاه های انقلاب اسلامی تهران طی اطلاعیه ای با توسل به دلایل ناموجه، برگزاری دادگاه را غیر علنی اعلام نموده است.

گردانندگان قوه قضائیه ۸ ماه پیش ۳۵ تن از اعضای این سازمان را به اتهام واهی اقدام علیه امنیت کشور و براندازی جمهوری اسلامی دستگیر کرده، از تریبون های رسمی اتهامات متعددی را بر آنها وارد آورده و در بازداشتگاه ها فشارهای سنگینی را علیه دستگیر شدگان اعمال و پرونده های سنگینی را برای آنها ساختند. از ابتدا برای همگان مشخص بود که دستگیریه صرفاً جنبه سیاسی داشته و گردانندگان جناح تمامیت گرا می خواهند که حضور سیاسی جریانی که بیش از ۴۰ سال فعالیت سیاسی علنی داشت، حذف کنند. اتهاماتی که تاکنون علیه نهضت آزادی از جانب گردانندگان قوه قضائیه وارد آمده، نتوانسته است افکار عمومی را مجاب سازد.

محاکمه غیر علنی و بدون حضور هیئت منصفه با آن همه سخنانی که در تریبون های رسمی علیه آنها گفته شده، توجیه ناپذیر است و تنها نشانه بی پایگی آن اتهامات و ادعاها علیه این جریان سیاسی کهنسال کشور ما می باشد. افکار عمومی کشور خواهان آن بود که حداقل فرصتی برای متهمین داده می شد که آنها در مقابل آنبوه اتهامات بتوانند در مقابل چشمان مردم از خود دفاع کنند تا مردم ایران خود به قضاوت بنشینند.

با برگزاری غیر علنی دادگاه محاکمه اعضای نهضت آزادی، آنکه در افکار عمومی در مقام اتهام می نشیند و محکوم می شود قوه قضائیه و گردانندگان آن است و آنکه تیره می گردد اعضای این جریان سیاسی است که برای برپایی ایرانی آزاد و آباد مبارزه نمودند.

ما دستگیری، بازجویی و محاکمه غیر علنی اعضای نهضت آزادی را محکوم می کنیم و خواستار آنیم که نیروهای آزادیخواه و اصلاح طلب و محافل بین المللی صدای اعتراض خود را علیه بیدادگاه های جمهوری اسلامی بلند کنند.

هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۲۰ آبان ماه ۱۳۸۰

### کمیسیون زنان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت):

### با حضور در استادایوم فوتبال

### به سیاست های تبعیض آمیز جنسی

### اعتراض کنیم

روز پنجشنبه ۲۴ آبانماه بازی برگشت مسابقه فوتبال بین تیم های ایران و ایرلند جنوبی در تهران برگزار می شود. دختران و زنان ورزش دوست خواستار حضور در استادایوم و تشویق تیم ملی فوتبال هستند. جمهوری اسلامی به سنت همیشگی خود از ورود دختران و زنان به استادایوم جلوگیری می کند. این سیاست، نمونه ای از سیاست های تبعیض آمیز جنسی جمهوری اسلامی در قبال زنان است.

دختران ما هیچگاه این سیاست ها را نپذیرفته اند و به اشکال مختلف در مقابل آن به مبارزه برخاسته اند. ما به سهم خود زنان و دختران را فراموش نمی کنیم که به این تبعیض تن ندهند و با حضور خود در استادایوم آزادی، با این سیاست های تبعیض آمیز بسوزند.

کمیسیون زنان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۲۰ آبان ماه ۱۳۸۰

### محاکمه غیر علنی اعضای نهضت آزادی ایران

ادامه از صفحه ۱

### بیانیه

### جبهه مشارکت ایران اسلامی

جبهه مشارکت در ارتباط با محاکمه اعضای نهضت بیانیه ای صادر کرده و گفته است که: در طول هشت ماه گذشته دستگیری این افراد، نحوه بازجویی، محل زندان و نحوه اطلاع رسانی این جریان، به گونه ای بوده است که جای کمر تردیدی در سیاسی بودن این قضیه نمی گذارد. در بیانیه اضافه شده است: کمترین حقی این افراد، ضرورت برخورداری از حقوق اولیه هر متهم سیاسی است. از جمله اینکه در دادگاهی علنی محاکمه شوند تا ملت رشید ایران خود به قضاوت بنشیند. در غیر این صورت افکار عمومی چاره ای جز تیرنه این افراد و محکوم نمودن کسانی که این مسایل را بوجود آورده اند، نخواهد داشت.

در بیانیه آمده است: غیر علنی کردن این دادگاه پس از آن همه اظهارات علنی و ادعاها، نه تنها عملی غیر قابل توجیه است، بلکه به معنی بی پایگی همه ادعاهاست است که در طول هشت ماه گذشته از هر تریبونی، بخصوص رسانه ملی علیه این افراد اعلام شده به طوری که حتی فرصت کوچک ترین دفاعی نیز برای متهمان باقی نگذاشته است.

**روای چهار کمیسیون مجلس خواستار بیگیری وضعیت زندانیان ملی - مذهبی شدند.**

روای کمیسیون اصل نود، امنیت ملی و سیاست خارجی، قضایی و حقوقی و بهداشت و درمان مجلس طی نامه ای به مهدی کروبی خواستار پیگیری وضعیت بهداشتی و تغذیه زندانیان ملی - مذهبی شدند.

**بازداشت عیسی خندان**

عیسی خندان مسئول موسسه فرهنگی نویسندگان که توسط دادگاه ویژه روحانیت احضار شده بود، بازداشت گردید.

همسر وی ضمن بیان این خبر به ایسنا گفت: عیسی خندان روحانی نبوده و نیست و نمی دانم چرا دادگاه ویژه روحانیت او را احضار و بازداشت کرده است. وی افزود: مسئولان دادگاه به من گفتند که یک سری اتهامات در مورد ایشان مطرح است.

## دمکراسی دستاوردهای بشریت است

امیر محبیان از نظریه پردازان جناح محافظه کار حکومت جمهوری اسلامی در مصاحبه ای که سایت ((بی تاب)) با او به عمل آورده است، می گوید دستاوردهای غربی مانند دمکراسی، آزادی و جامعه مدنی، الزاماً نباید عیناً در ایران تجربه شود، بلکه باید ((بشخص)) هایی از آن را پذیرفت. محبیان نکته است که کدام بخش ها از این دستاوردها را باید قبول کرد و کدام را باید کنار گذاشت. حکومت های خودکامه هرگاه با اوج گیری جنبش آزادیخواهان مردم کشورهای خود مواجه می شوند، به انواع و اقسام پنهان ها متوسل می گردند تا ثابت کنند آزادی نسخه ای نیست که قابل تجویز برای همه باشد. از جمله این پنهان ها، ((حفظ بستری فکری و فرهنگی خودمان)) است که آقای محبیان نیز بر آن تأکید دارد.

برای کسانی که سن و حافظه شان باری می دهد، این استدلال نا آشنا نیست. شاه نیز در چندین گفتگو و مصاحبه گفته بود اختیارات گسترده مقام سلطنت از جمله ویژگی های فرهنگی ایران است و دمکراسی ((به سبک غربی)) به درد ایران نمی خورد. تاریخ نشان داد که ویژگی های فرهنگی مورد استاد محمد رضا پهلوی تا چه حد بی ثبات بود و چگونه طومار آن با خیزش مردم در هم پیچیده شد.

آقای محبیان را به عنوان نظریه پرداز رسالت می شناسیم و با این شناخت می توانیم آنچه را او در مصاحبه خود نا گفته گذاشته است، بر سخنان او بیافزاییم. آقای محبیان، مدافع ولایت فقیه و نقش ویژه آن در نظام حکومتی ایران است و لابد منظور ایشان از ((بستر فکری و فرهنگی)) همان عوامل محدود کننده دمکراسی است که در قانون اساسی جایگاه مستحکم دارد و بیش از هر چیز در اصل ولایت فقیه بازتاب می یابد.

توجه گران حکومت فقهی مانند امیر محبیان چنین وانمود می کنند که این طرز حکومت، برخاسته از ویژگی های فرهنگی جامعه ایران است و مردم ایران جز این، هیچ نوع حکومتی را نمی پسندند. این ادعا، با واقعیات و آرایه های خواناتمی ندارد. واقعیت این است که اندیشه حکومت دینی به گونه ای که در ایران پس از انقلاب تحقق یافته است، پدید ای معاصر است. حتی اگر آقایان بخوانند به قرابت نظری و فکری شان با شیخ فضل الله نوری توسل جویند، ناگزیرند این نکته را کتمان کنند که نوری مانند اغلب فقهای قبل از او، مخالفتی با سلطنت مطلق نداشت

و حکومت مشروعه ای که او می خواست بر اتحاد میان روحانیت و سلطنت مطلق استوار بود. آنچه امروز دکتورین حکومتی ایران را تشکیل می دهد، نظریه ای است که توسط آیت الله خمینی در کتاب حکومت اسلامی ساخته و پرداخته شد و گر چه استاد آقای خمینی به برخی فقههای قبل از خود او است، اما پیش از فقهایی که آقای خمینی از آنان الهام می گیرد، می توان روحانیونی یافت که معتقد به حکومت روحانیت نبودند. از جمله عالی رتبه ترین مراجع شیعه قبل و معاصر با خمینی. بنابراین، این ادعا که عوامل محدودکننده دمکراسی در ایران فعلی، ریشه در ویژگی های تاریخی و فرهنگی ایران دارد، تنها می تواند پیروان کم سواد آقای محبیان را قانع کند. حتی می توان گفت اندیشه مردم سالاری که محبیان آن را یک دستاورد غربی می داند، در تاریخ و فرهنگ ایران ریشه

ادامه از صفحه ۱

دستور داد کمیسیون ویژه ای برای پیگیری کیفری کسانی که مخالف ولی فقیه و تصمیمات شورای امنیت ملی هستند، تشکیل شود.

### سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی: مدافع مذاکره

در حالی که محافظه کاران بعد از موضعگیری خامنه ای خود را آماده می کردند تا روز ۱۳ آبان به مناسبت تسخیر سفارت آمریکا در تهران در سال ۵۸، تظاهرات سراسری در پشتیبانی از سخنان رهبر جمهوری اسلامی علیه آمریکا به راه بیندازند، بهزاد نبوی یک روز قبل از آن، تسخیر سفارت را مربوط به گذشته خواند و از برقراری رابطه با آمریکا دفاع کرد. بهزاد نبوی عضو رهبری مجاهدین انقلاب اسلامی و جبهه دوم خرداد گفت: عادی سازی روابط با همه دولت های دنیا غیر از رژیم غاصب صهیونیستی خواست جبهه دوم خرداد است. به گفته وی این دیدگاه در آستانه انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری از سوی کورده سیاسی ستاد انتخاباتی جبهه دوم خرداد منتشر شده بود. نبوی اظهار داشت: اگر مساجرای اشغال سفارت آمریکا در آن زمان صورت نمی گرفت که حرکت ساده ای هم نبود شاید تا دو یا سه سال دیگر شاهد یک کودتای ۲۸ مرداد جدیدی بودیم. وی تصریح کرد: اشغال سفارت آمریکا در سال ۵۸ حرکتی در جهت تقویت نظام بود در حالی که امروز معتقدم نظام اسلامی یک نظام تثبیت شده است و اتفاقاتی نظیر کودتای ۲۸ مرداد رخ نخواهد داد. نبوی افزود: عادی سازی روابط با آمریکا منافی با تأیید اشغال سفارت در سال ۵۸ ندارد و به قطع یقین این تغییر پیش نیست بلکه تغییر زمان و شرایط است.

همزمان با بهزاد نبوی، محسن آرمین یکی دیگر از رهبران سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و نایب رئیس مجلس خطاب به خامنه ای و سایر محافظه کاران که گفتگو با آمریکا را مغایر اصول جمهوری اسلامی می خوانند، گفت: ما باید بحث رابطه با آمریکا را از مقوله ایسندولویژیک خارج کنیم و اینکار کاملاً کارشناسی باشد. به بیان دیگر محسن آرمین همان

## نزاع جناح های حکومتی بر سر مذاکره با آمریکا

موضوعی را گرفته که آیت الله منتظری بارها بر آن تأکید کرده است. آرمین افزود: در حالی که بحران افغانستان منافع ملی ما را به چالش گرفته، هر نوع مذاکره ای با طرفین بحران اگر تضمین کننده منافع ملی ما باشد، کاملاً ملی، انقلابی و میهنی است. نایب رئیس مجلس تأکید کرد: دستگاه دیپلماسی ما باید بگونه ای عمل کند که اگر شاهد یک رژیم متحد با آمریکا در افغانستان شدیم و این رژیم با ما نباشد، حداقل دشمن ما نشود.

### امامی راه: بهزاد نبوی مجرم است.

سخنان بهزاد نبوی در زمینه برقراری رابطه با آمریکا محافظه کاران را چنان به خشم آورد که تنها به نوشتن مقاله در کیهان و رسالت اکتفا نکردند و آشکارا از قوه قضائیه خواستند وی را به جرم عدول از سخنان خامنه ای تحت پیگرد قرار دهد. روزنامه کیهان از زبان نماینده کوهدهشت نوشت: اول آنکه ادعای بهزاد نبوی درباره قدرتی دیگری از قانون رابطه با آمریکا دروغ از آب درآمد و سایر اعضای سرشناس این جبهه از جمله رئیس فراکسیون دوم خرداد از موضع ایشان اعلام برائت کرده اند. دوم آنکه اصولاً موضع آقای نبوی درباره رابطه با شیطان بزرگ مخالفت علنی با موضع رسمی نظام و همه مسئولان ذیصلاح و بلند پایه کشور است و در واقع نوعی اعلان جنگ با نظام می باشد. امامی راه نماینده کوهدهشت افزود: کمیته ای که قوه قضائیه برای مستخلفان از تصمیمات شورای عالی امنیت ملی تشکیل داده، باید فوراً به تخلف بهزاد نبوی رسیدگی و نتایج آن را اعلام کند.

### شایعه استعفا ختمی

رویدادهای هفته های اخیر و رواج شایعه استعفا ختمی تا چه اندازه با هم ارتباط دارند هنوز در پرده ابهام مانده و معلوم نشده است که به چه دلیل بعد از سخنان خامنه ای و در آستانه سفر ختمی به نیویورک با سرعت شایعه استعفا وی بر سر زبانها افتاد و در فاصله کوتاهی خبر احتمال کناره گیری رئیس جمهور در کشور پیچید که ختمی ناچار شد از طریق محمدعلی ابطحی

## تداوم اصلاحات درگرو تغییرات در قانون اساسی

تلاش زیادی موفق می شوند که لایحه ای را به تصویب برسانند که گشایشی را در یک عرصه معین بوجود آورد. مصوبه توسط شورای نگهبان رد و به مجلس عودت داده می شود. نمایندگان باز لایحه را تصویب و طبق قانون برای تعیین تکلیف به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده می دهند. فرسنگانی وصول آن را اعلام و سپس به پایگانی می سپارد. تاکنون مصوبات متعددی در پایگانی ایشان خاک می خورد. از سوی دیگر آهاله مصوبات به مجمع تشخیص مصلحت نظام، موقعیت فرسنگانی را آنچنان بالا می برد که عملاً او جایگزین مجلس شورا و شورای نگهبان می شود. فرسنگانی تصمیم می گیرد که کدام مصوبه مجلس را در دستور قرار دهد و به تصویب «مجمع» برساند (مثل مصوبه مجلس در مورد بازنشستگی پیش از موعد کارگران در شغل های سخت و

کدامیک را به پایگانی سپارد. فرسنگانی از این موقعیت خود بیشترین سوءاستفاده را در بنیاد سیاست سیاسی بعمل می آورد. نمایندگان مجلس با توجه به این وضع به شورای نگهبان که مرتباً مصوبات آنها را رد می کند مراجعه و با تعدیل مصوبات و با چانه زدن با آنها کار را پیش می برند. مشخص است که مصوبات بیرون آمده از چانه زنی خاصیت چندانی نخواهد داشت.

مجلس اصلاح طلب بخاطر اینکه در قانون اساسی بر بالای آن ششوی نگهبان، مجلس تشخیص مصلحت نظام ولی فقیه چیده شده است، عملاً قادر به پیشبرد لویحی که راهگشای اصلاحات باشد، نیست. اما نمایندگان اصلاح طلب همچنان این دور باطل را طی می کنند و باز بکار خود ادامه می دهند. اصلاح طلبان حکومتی در

## «ضد انقلاب»؟

واژه «ضد انقلاب» در روزهای اخیر و بعد از تظاهرات و اجتماعات جوانان و نوجوانان کشور از زبان گردانندگان جمهوری اسلامی بوقور شنیده می شود. محافظه کاران برای زمینه سازی سرکوب جوانان پای «ضد انقلاب» را به میان می کشند و اصلاح طلبان حکومتی برای نفی نقش آنها.

صرف نظر از ادعای طرفین، کاربرد واژه «ضد انقلاب» و تکرار آن سئوالات متعددی را بوجود آورده است. آیا در حال حاضر و بعد از گذشت دو دهه از انقلاب بهمن، انقلابی در جریان است که جناح های حکومتی موافق آن، نیروهای خارج از کشور مخالف و ضد آن هستند؟ آیا نیروهای خارج از کشور همگی «ضد انقلاب» هستند و بالتجیه طرفدار ادامه وضع موجود و یا حداقل اصلاحات در وضعیت موجود؟ می توان سئوالات متعددی را مطرح کرد که بعید بنظر می رسد حکومتگران بتوانند به آن پاسخ روشن و منطقی بدهند.

مسئله «انقلاب» و «ضد انقلاب» در روند انقلاب و در سال های اولیه آن، که مرحله تثبیت طی می شود، می تواند مطرح باشد. در کشورهای متعددی که انقلاب صورت گرفت، صفت بندی آشکار پدید آمد که طبقات حاکم و گردانندگان حکومت در مقابل انقلاب ایستادند. با آن به مبارزه و جنگ پرداختند و سرانجام مقهور شدند. طبقات و نیروها و احزاب سیاسی که به قدرت دست یافتند صفت «ضد انقلاب» را به مغلوبین نسبت دادند. این صفت پاتوجه به محوریت انقلاب در یک مقطع زمانی که ممکن است چند سال طول بکشد، در مورد نیروهای مغلوب مصداق دارد. اما با گذشت زمان طولانی و تثبیت حکومت برآمده از انقلاب کاربرد این واژه مابازاء واقعی ندارد.

بکارگیری صفت «ضد انقلاب» و اطلاق آن به نیروهای مخالف انقلاب از جانب انقلابیون، جنبه سیاسی - تبلیغی دارد. چرا که انقلاب در ذهنیت مردمی که انقلاب کرده اند و یا از آن حمایت بعمل آورده اند مشروعیت دارد و حکومت برآمده از انقلاب از این موضوع سود برده و مخالفین انقلاب را سرکوب می کند.

در انقلاب بهمن تنها طرفداران رژیم شاه در مقابل انقلاب ایستادند. سایر نیروهای سیاسی از جمله نهضت آزادی، و جبهه ملی در انقلاب بهمن شرکت و یا با آن همراهی کردند. در آن زمان پاتوجه به صفت بندی موجود و مخالفت حامیان رژیم شاه با انقلاب، کاربرد این واژه در مورد آنها می توانست مابازاء واقعی داشته باشد. البته نه مجوزی برای سرکوب آنان.

اما گردانندگان جمهوری اسلامی در سال های بعد از انقلاب هر نیروهای سیاسی را که در مقابل سرکوب و استقرار رژیم ولایت فقیه ایستاد و یا با آن به مخالفت برخاست، صفت «ضد انقلاب» به آن چسباندند. در حالی که بخش اعظم این نیروها در انقلاب بهمن شرکت داشتند. سال های سال علیه رژیم شاه و برای انقلاب مبارزه و در این راه تعداد زیادی از یاران خود را از دست داده بودند.

واژه انقلاب در اساس جزو فرهنگ سیاسی چپ بود و نیروهای مذهبی آن را به عاریت گرفته و وارد فرهنگ خود کردند. در حالی که صفت «ضد انقلاب» را حتی به آنها هم نسبت دادند. نیروهای محافظه کار که امروز خود را «انقلابی» و مخالفین را «ضد انقلابی» خطاب می کنند، نه تنها به انقلاب بلکه به مبارزه علیه رژیم شاه نیز اعتقادی نداشتند.

سرن حکومت اسلامی برای سرکوب نیروهای مخالف صفت «ضد انقلاب» را به آنها چسباندند و از آن بیشترین سوءاستفاده را کردند. آنان بعد از گذشت دو دهه از انقلاب، باز هم صفت «ضد انقلاب» را در مورد نیروهای مخالف بکار می برند.

قبل از دوم خرداد صفت بندی روشنی بین طرفداران جمهوری اسلامی و مخالفین آن وجود داشت. با انتخابات دوم خرداد و جنبش برآمده از آن، صفت بندی جدیدی شکل گرفت. در طی چهره سال اخیر عملاً نقل اصلاحات بر سایر صفت بندی ها غلبه کرد و به صحنه سیاسی کشور آرایش جدیدی داد. این امر هم در درون و هم بیرون از حکومت پدید آمد. در درون حکومت و بیرون حکومت صفت بندی روشنی بین طرفداران و مخالفین شکل گرفت. محافظه کاران و بخشی از نیروهای اپوزیسیون در مقابل اصلاحات ایستادند و به تقابل با آن برخاستند و اصلاح طلبان حکومتی و بخشی از نیروهای اپوزیسیون به دفاع از اصلاحات برخاستند.

باوجود اینکه اصلاحات در کشورمان به رکود گرایده است ولی هنوز صفت بندی اصلی بر پایه برخورد با جنبش اصلاحات است. در حال حاضر جناح محافظه کار نه تنها در مقابل انقلاب، بلکه با تمام قوا در مقابل اصلاحات هم ایستاده است. لذا متصف کردن انقلابی «به خود» و «ضد انقلابی» به نیروهای مخالف فریبکارانه است. اصلاح طلبان حکومتی هم که واژه «ضد انقلاب» را بکار می برند، سال هاست که نه از «انقلاب»، بلکه از اصلاحات سخن می گویند.

مشخص است که محافظه کاران بعد از گذشت دو دهه از انقلاب با هدف سرکوب مخالفین این واژه را بکار می برند. ولی قصد اصلاح طلبان از کاربرد این واژه چیست؟ «ضد انقلاب» در فرهنگ سیاسی آنها چه جایگاهی دارد؟ آنها این واژه را چگونه توضیح می دهند؟ اگر همانند محافظه کاران قصد سرکوب را دارند، چرا از مردم سالاری صحبت می کنند؟ و اگر معتقد به مردم سالاری هستند و از شعار «ایران برای همه ایرانیان» تبعیت می کنند، پس چرا با کاربرد این واژه می خواهند نیروهای مخالف را طرد کنند؟ این برخورد دوگانه و متناقض آنها به چه معنی است؟ آنها بعد از گذشت چهار سال از آغاز جنبش اصلاحات، سرانجام باید معین کنند که اعتقادی به فعالیت سیاسی نیروهای اپوزیسیون دارند و یا همچنان آنها را «ضد انقلاب» می دانند؟

گروه سیاسی نشریه کار

مقابل نیروهایی که تغییرات در قانون اساسی را مطرح می کنند، می گویند که قانون اساسی فعلی هنوز از ظرفیت هایی برخوردار است که بکار گرفته نشده است. اما آنها به این سوال اساسی جواب نمی دهند که قوه مقننه و مجریه که در دست آنها است چرا در این مدت طولانی از آن ظرفیت ها بهره نگرفته است؟ باید گفت که یا اصلاح طلبان حکومتی نمی خواهند که از ظرفیت های موجود در قانون اساسی بسود منغایر با واقعیت های موجود است. تسلاش نمایندگان اصلاح طلب مجلس شورا در این راستا است و یا اینکه ساختار سیاسی موجود به آنها اجازه نمی دهد و یا نمی گذارد که این ظرفیت ها بکار گرفته شود. آنها تاکنون نتوانسته اند که افکار

## سیاست‌ها و وظایف ما در مورد جنبش کارگری و مطالبات کارگران و زحمتکشان

اشاره:

با توجه به حادبودن مسائل کارگری در کشورمان، هیئت سیاسی - اجرایی سازمان کمیسوین کارگری را موظف نمود که مطالبی پیرامون جنبش کارگری، مسائل و مشکلات کارگران همراه با «سیاست‌ها و وظایف ما» در مورد جنبش کارگری و مطالبات کارگران و زحمتکشان کشور تهیه نماید. مطلب تهیه شده در هیئت سیاسی - اجرایی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و برای تدقیق بخش «سیاست‌ها و وظایف ما» کمیسوین مرکب از مسئول کمیسوین کارگری و دو تن از اعضای هیئت سیاسی - اجرایی تشکیل گردید و سند مذکور بر اساس نظرات ارائه شده تصحیح و تدقیق و سپس به تصویب هیئت سیاسی - اجرایی رسید که در زیر به نظر خوانندگان نشریه کار می‌رسد.

مقدمه

رکود و تورم اقتصادی، خصوصی‌سازی واحدهای تولیدی، واردات بی‌رویه کالا، کاهش ارزش ریال، قاچاق کالاها، قرارگرفتن بخش بزرگی از اقتصاد کشور در دست بنیادها، رشد سرمایه‌داری دلالی - تجاری در طی دو دهه اخیر، غارت ثروت کشور و دسترنج زحمتکشان توسط آقازاده‌ها و پیشبرد سیاست «تعدیل اقتصادی» زمینه‌ساز بحران در واحدهای تولیدی و به فقر و فلاکت کشاندن زندگی کارگران و زحمتکشان کشورمان گردیده است. پار اصلی بحران اقتصادی کشور بر دوش کارگران منتقل می‌شود. از سوی دیگر کارگران با تهاجم سرمایه‌داران روبرو هستند که بر شدت استثمار کارگران افزوده‌اند و از بحران اقتصادی علیه آنها بهره می‌گیرند. دولت خاتمی و مجلس شورا نه تنها به حمایت از کارگران برخاسته‌اند، بلکه در مواردی با تصویب لوایح و پیشبرد سیاست‌های ضدکارگری به تشدید بیکاری و فقر و فلاکت کارگران افزوده‌اند.

کشور ما با بحران کارگری روبرو است و دورنمایی برای غلبه بر این بحران مشاهده نمی‌شود. دولت خاتمی فاقد برنامه برای برون‌رفت جامعه از بحران کارگری و تامین خواست‌ها و مطالبات کارگران است. کارگران در سال‌های اخیر برای نيل به مطالباتشان به اعتراضات گسترده‌ای دست زده‌اند. جنبش کارگری در حال حاضر گسترده‌ترین جنبش اعتراضی در کشور است ولی هنوز در وجه عمده تدافعی و صنفی است و به مبارزه سیاسی و آزادی‌خواهانه فراتر نرفته است. بین جنبش کارگری و جنبش اصلاح‌طلبانه پیوند نزدیکی وجود ندارد و جنبش کارگری با جنبش دانشجویان، جوانان، زنان و سیزها هنوز پیوند نخورده است.

## سیاست‌ها و وظایف ما

### حقوق و مطالبات کارگران

ما از حقوق اجتماعی و مطالبات حق‌طلبانه کارگران و مزدبگیران دفاع و برای تحقق آن‌ها مبارزه می‌کنیم. ما برای جلب حمایت احزاب و نیروهای آزادی‌خواه و اصلاح‌طلب از مبارزات و مطالبات کارگران و زحمتکشان، بخصوص مبارزه آنان برای ایجاد سندیکاهای و اتحادیه‌های مستقل کارگران که در شرایط کنونی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تلاش می‌کنیم.

### ضرورت پیوند جنبش کارگری با سایر جنبش‌ها

\* مطالبات دمکراتیک و صنفی کارگران با مبارزه مردم کشور ما برای تحقق اصلاحات ساختاری در نظام سیاسی و اقتصادی کشور و استقرار مردم‌سالاری پیوند جدایی‌ناپذیر دارد. کوشش ما آن است که جنبش کارگری با جنبش اصلاح‌طلبانه و آزادی‌خواهانه کشور با جنبش‌های دانشجویی و جوانان، زنان، طرفداران محیط زیست پیوند خورده و به یک جنبش سیاسی صنفی فراروید.

سیاست ریاکارانه محافظه‌کاران محافظه‌کاران برای بهره‌برداری از اعتراضات کارگری در نزاع‌های جناحی ریاکارانه از حقوق کارگران و خواسته‌های آن‌ها دفاع می‌کنند در حالی که نقش آنان در تعطیل واحدهای تولیدی، ورشکستگی صنایع کشور و بیکاری میلیون‌ها کارگر، تدوین و پیشبرد برنامه «تعدیل اقتصادی» و اخراج وسیع کارگران، تصویب لایحه معافیت کارگاه‌های کوچک از شمول قانون کار در مجلس پنجم، دفاع از غارتگری تجار و آقازاده‌ها بر همگان آشکار است. ما سیاست‌های فریبکارانه محافظه‌کاران و نقش آن‌ها را در پیشبرد سیاست‌های ضدکارگری افشا می‌کنیم.

سیاست‌های دولت خاتمی و مجلس شورای دمکراتیک و صنفی کارگران را نادیده می‌گیرد. مجلس شورا با تصویب لایحه نوسازی صنایع نساجی که اخراج بیش از صد هزار کارگر تنها یکی از پیامدهای آن است، وزارت کار با ایجاد موانع در راه تشکیل سندیکاهای و اتحادیه‌های مستقل کارگری، وزارت کشور با عدم اجازه به برگزاری اجتماعات و تظاهرات کارگری و دولت خاتمی با ادامه سیاست خصوصی‌سازی و در نظر نگرفتن سیاست حمایتی برای کارگران بر علیه حقوق و منافع کارگران عمل کرده‌اند. ما ضمن مخالفت با سیاست‌های ضد کارگری اصلاح‌طلبان حکومتی فلالانه از مبارزه کارگران و مزدبگیران برای تغییر سیاست‌های دولت و مجلس در جهتی که هم حقوق مزدبگیران را تامین و هم در راستای توسعه سیاسی و اقتصادی کشور باشد حمایت می‌کنیم.

### بحران واحدهای تولیدی و تعویق پرداخت دستمزد کارگران

هزاران واحد تولیدی در سراسر کشور تعطیل، ورشکسته و یا با بحران مواجه هستند. این امر موجب تعویق پرداخت دستمزد کارگران و کارکنان این واحدها و بروز مشکلات جدی در زندگی آن‌ها شده است. علیرغم اعتصابات و اعتراضات گسترده کارگری که از جانب کارگران گرسنه و در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها و حقوق‌ها صورت گرفته است، دولت اقدام موثری برای حل این معضل انجام ندهاده است. دولت باید برای حل بحران واحدهای تولیدی و صنعتی و پرداخت به موقع حقوق و دستمزد کارگران اقدامات عاجلی را به اجرا گذارد.

### بیمه بیکاری

بیکاری یکی از معضلات عظیم جامعه است. در حال حاضر حداقل ۴ میلیون بیکار در کشور وجود دارد که از این تعداد بین ۴۰ تا ۵۰ هزار بیکار تحت پوشش بیمه بیکاری قرار دارند. ما خواهان تدوین برنامه‌های ضروری برای بالابردن سطح اشتغال، تامین امنیت شغلی کارگران و توقف اخراج کارگران از واحدهای تولیدی و موسسات دولتی هستیم. خواست ما آن است که کلیه کارگران اخراجی تا یافتن کار مجدد تحت پوشش بیمه بیکاری و بیمه های اجتماعی قرار گیرند.

### دستمزد کارگران

عدم افزایش دستمزد کارگران به مقدار کافی و متناسب با رشد تورم و افزایش مداوم قیمت‌ها و سقوط ارزش ریال موجب کاهش سطح درآمد و زندگی کارگران شده است. دستمزد کارگران حداقل زندگی آنان را تامین نمی‌کند. ما خواهان افزایش دستمزد متناسب با رشد تورم و کاهش ارزش ریال و به نحوی هستیم که موجب ارتقاء سطح زندگی آنان گردد.

### سازمان تامین اجتماعی

سازمان تامین اجتماعی در سال‌های اخیر مرتباً از میزان ارائه خدمات به کارگران و خانواده آن‌ها کاسته است به نحوی که در حال حاضر میزان خدمات این سازمان به بیمه‌شدگان به حد ناچیزی رسیده است. عدم پرداخت بدهی‌های کلان دولت، کارخانه‌ها و شرکت‌های

دولتی و خصوصی به سازمان تامین اجتماعی بده اقتصادی و کارایی آن را کاهش داده است. کارگران و مزدبگیران که بودجه این سازمان از طریق کسر بخشی از دستمزد آنان تامین می‌شود در گذشته و حال خواستار آن بوده‌اند که نمایندگان منتخب آنان در ترکیب مدیریت این سازمان شرکت و در سیاست‌گذاری آن نقش داشته باشند اما این درخواست تاکنون از جانب دولت اجابت نشده است. خواست کارگران این است که بدهی‌های دولت و کارخانه‌ها و شرکت‌های دولتی و خصوصی به سازمان تامین اجتماعی پرداخت گردد و نمایندگان منتخب کارگران در اداره، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری آن نقش داشته باشند. ما ضمن حمایت از این مطالبات خواستار آن هستیم که دولت برای افزایش کارایی این سازمان آن را مورد حمایت مالی قرار دهد.

### قانون کار

قانون کار مورد تعرض سرمایه‌داران قرار گرفته است. آنان مخالف قانون کار هستند. سرمایه‌داران و بسیاری از مدیران دولتی خواهان حذف آن موادی از قانون کار هستند که تا حدودی از حقوق کارگران در مقابل تهاجمات سرمایه‌داران دفاع می‌کند، مجلس پنجم با تصویب لایحه معافیت کارگاه‌های دارای تا ۵ نفر کارگر از شمول قانون کار و مجلس ششم با تصویب لایحه نوسازی صنایع نساجی علیه کارگران عمل کرد. تعرض سرمایه‌داران به قانون کار و مقاومت و مقابله کارگران با آن‌ها باعث گردیده که قانون کار در سال‌های اخیر به یکی از عرصه‌های مبارزه کار و سرمایه تبدیل شود. کارگران ضمن مقاومت و تقابل با تعرض سرمایه‌داران و تأکید بر مواد مثبت قانون کار، خواهان آن هستند که قانون کار که دارای اشکالات و تناقضات متعددی است در راستای تامین حقوق کارگران و مطابق با منافع ملی سازمان جهانی کار و حقوق بشر مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد. ما ضمن حمایت از این خواست کارگران خواهان لغو فوری مصوبه ضدکارگری مجلس پنجم در مورد معافیت کارگاه‌های دارای تا ۵ نفر کارگر از شمول قانون کار و لغو مواد ضدکارگری موجود در لایحه نوسازی صنایع نساجی به وسیله مجلس ششم هستیم.

### حق اعتصاب

حق اعتصاب یکی از حقوق اولیه کارگران در مقابل تعرض سرمایه‌داران و ابزار برای تامین مطالبات کارگران است. سازمان بین‌المللی کار حق اعتصاب را به رسمیت شناخته است. اما در قانون کار حق اعتصاب در نظر گرفته نشده است. در طول سال‌های گذشته بسیاری از اعتصابات کارگری به وسیله نیروهای نظامی سرکوب گردیدند. ما خواهان آن هستیم که حق اعتصاب به رسمیت شناخته شود. و به سرکوب اعتصابات کارگری پایان داده شود.

### قراردادهای موقت

حقوق کارگران در سال‌های اخیر در اثر رواج قراردادهای موقت توسط شرکت‌های پیمانکار بشدت پایمال گردیده است. ما خواهان لغو قراردادهای موقت و جایگزینی قراردادهای بلندمدت در حمایت قانون کار در کلیه شرکت‌ها، کارخانه‌ها و موسسات دولتی و خصوصی هستیم.

### تشکیل‌های کارگری

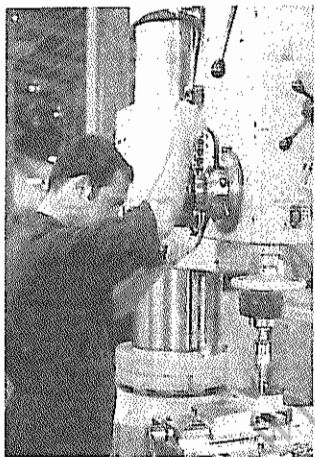
با وجود گذشت ۲۳ سال از انقلاب بهمن هنوز کارگران فاقد تشکیلات مستقل کارگری هستند. ما همراه کارگران خواستار به رسمیت شناختن حق ایجاد سندیکاهای و اتحادیه‌های مستقل کارگری هستیم. ما خواستار آنیم که موانع موجود در قانون کار و آئین‌نامه‌های اجرایی مرتبط با آن از میان برداشته شود. ما از هر اقدامی که در راستای سازمان‌یابی مستقلانه کارگران و مزدبگیران باشد و نیز از استقلال تشکیلات کارگری از دولت، کارفرمایان و احزاب سیاسی دفاع می‌کنیم.

## بنیاد کار:

### علیه سیاست‌های «سازمان جهانی تجارت» در فراخوان جهانی کارگری شرکت کنیم!

در پی پیشنهاد کنگره کار کانادا، کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد، طی فراخوانی جهانی، از همه تشکیلات و اتحادیه‌های کارگری جهان خواسته است که همزمان با برگزاری اجلاس جهانی سازمان تجارت جهانی که امسال در ماه نوامبر در قطر برگزار میشود، یک روز اعتراضی را حول موضوعی را علیه سیاست‌های «سازمان جهانی تجارت» سازمان‌یابی نمایند. بدنبال حرکت‌های گسترده و اعتراضات اتحادیه‌های کارگری و نیروهای مترقی که همزمان با برگزاری اجلاس سازمان جهانی تجارت در سال ۱۹۹۹ میلادی در شهر سیاتل، امریکا، علیه عملکردهای سازمان جهانی تجارت برگزار شد و همچنین بعد از تظاهرات اعتراضات بی‌سابقه‌ای که در جنوا ایتالیا، شهر کبک کانادا، و گوتنبرگ سوئد علیه جهانی شدن و «قراردادهای تجاری آزاد» برگزار شد، این بار کشورهای عضو «سازمان جهانی تجارت» تصمیم بر آن گرفتند که امسال اجلاس خود را به دور از اعتراضات گسترده کارگری و مردمی، در کشور غیردموکراتیک قطر که کارگران و خصوصاً کارگران مهاجر از ابتدایی‌ترین حقوق کارگری و شهروندی محروم هستند و در کشوری که حقت آزادی بیان

مقطع کنونی و به منظور پشتیبانی از تلاش‌هایی که به وسیله فعالان مستقل جنبش کارگری در راستای سازمان دهی مستقلانه تشکیلات صنفی کارگری صورت می‌گیرد از تشکیل انجمن‌های صنفی که از پائین و از طریق مشارکت داوطلبانه کارگران به منظور تامین اتحاد و دفاع از منافع صنفی کارگران در مقابل تعرض کارفرمایان و دولت صورت می‌گیرد حمایت می‌کنیم. ما مخالف درآمیزی انجمن‌های صنفی با انجمن‌های صنفی کارگری هستیم.



خانه کارگر

خانه کارگر تشکیلی است شبه کارگری و دولتی که به منظور جلوگیری از سازمان‌یابی مستقلانه کارگران و مقابله با کارگران و سازمان‌های دگراندیش و مستقل بوجود آمده است. خانه کارگر در سرکوب شوراهای سندیکاهای کارگری مستقل که در زمان انقلاب بوسیله و با ابتکار مستقیم کارگران بوجود آمده بودند نقش فعال داشته است. در حال حاضر نیز خانه کارگر با شکل‌گیری تشکیلات مستقل کارگری مخالفت نکرده و یکی از موانع جدی بر سر راه تشکیل مستقل کارگری است. ما از تلاش‌های مستقلانه کارگران و فعالین جنبش کارگری برای تشکیل سندیکاهای اتحادیه‌های کارگری و خارج ساختن تشکیلات کارگری از زیر نفوذ خانه کارگر دفاع می‌کنیم.

### شوراهای اسلامی کار

شوراهای اسلامی کار که عموماً زیرمجموعه خانه کارگر به حساب می‌آیند و با آن رابطه تنگاتنگی دارند. در سال‌های اخیر تحت تاثیر اعتصابات و اعتراضات کارگری تغییراتی در روش‌ها و کردارهای خود بوجود آورده‌اند. اما شوراهای کارگری در چهارچوب تشکیلات کارگری اسلامی محصور شده‌اند. هر گاه شورایی تلاش کرده است که از چهارچوب مناسبات قانون شوراهای فراتر برود و استقلال عمل از خود نشان دهد یا تحت پیگرد قانونی قرار گرفته و یا منحل شده است.

ما خواهان لغو قانون شوراهای اسلامی و جایگزینی تشکیلات مستقل کارگری به جای شوراهای اسلامی کار هستیم.

### انجمن‌های صنفی

ماده ۱۳۱ قانون کار حق تشکیل انجمن‌های کارگری را به رسمیت شناخته است. وزارت کار و کارفرمایان و مدیران دولتی و خانه کارگر تاکنون و به انحاء گوناگون از تشکیل انجمن‌های صنفی مستقل کارگری جلوگیری کرده‌اند. ما با توجه به وضعیت عمومی جنبش کارگری در

مقطع کنونی و به منظور پشتیبانی از تلاش‌هایی که به وسیله فعالان مستقل جنبش کارگری در راستای سازمان دهی مستقلانه تشکیلات صنفی کارگری صورت می‌گیرد از تشکیل انجمن‌های صنفی که از پائین و از طریق مشارکت داوطلبانه کارگران به منظور تامین اتحاد و دفاع از منافع صنفی کارگران در مقابل تعرض کارفرمایان و دولت صورت می‌گیرد حمایت می‌کنیم. ما مخالف درآمیزی انجمن‌های صنفی با انجمن‌های صنفی کارگری هستیم.

### تبعیض جنسی

کارگران زن از تبعیض جنسی در واحدهای تولیدی رنج می‌برند. در تعدیل نیروی انسانی و بحران واحدهای تولیدی، زنان در صف مقدم اخراج قرار دارند. زنان از دستمزد یکسان با مردان در کارهای مشابه برخوردار نیستند. کارگران خانگی زن از حقوق قانون کار محروم می‌باشند.

ما خواهان رفع تبعیض جنسی و برابر حقوقی زن و مرد در قانون کار و در واحدهای تولیدی و ایجاد تسهیلات ضروری برای کارگران زن هستیم. موانع قانونی بر سر راه انتخاب شغل از جانب زنان باید برداشته شود.

### کار کودکان

فقر و فلاکت کارگران و زحمتکشان و اقشار کم درآمد جامعه از یکسو و کمبود امکانات آموزش و عدم تامین اجتماعی از سوی دیگر موجب می‌شود که آن‌ها فرزندان خود را به جای مدرسه راهی بازار کار نمایند. کودکان به وجه شدیدی توسط سودجویان و کارفرمایان مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند.

ما خواهان اقدامات جدی برای برگرداندن کودکان به خانه و مدرسه هستیم.

### قراردادهای دسته‌جمعی

انتقاد قراردادهای دسته‌جمعی جزو حقوق کارگران است. با وجود این که این حق در قانون کار به رسمیت شناخته شده است، ولی در عمل به اجرا گذاشته نمی‌شود و دولت این حق و خواست کارگران را بی‌پاسخ گذاشته است. ما خواهان اجرای قراردادهای دسته‌جمعی به وسیله دولت و کارفرمایان هستیم.

### کارگران افغان

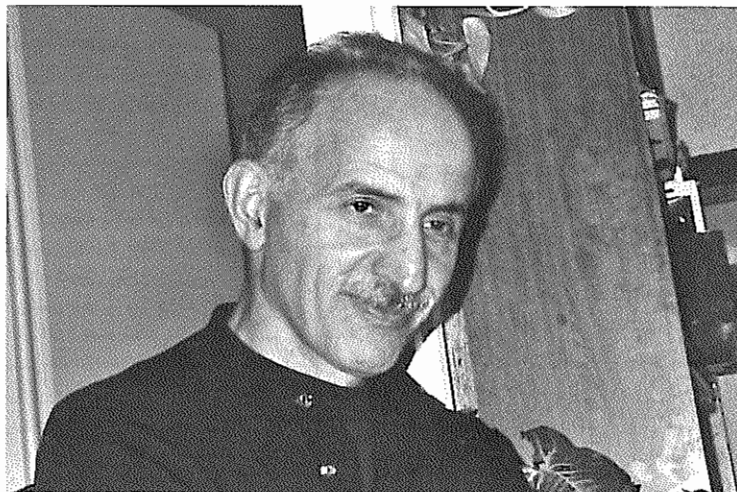
عده‌ای از مقامات دولتی، گردانندگان خانه کارگر و حزب اسلامی کار برای پوشاندن علل اصلی بیکاری در جامعه، کارگران افغان ساکن در ایران را عامل بیکاری معرفی می‌کنند. این تبلیغات زمینه آزار و اذیت کارگران افغان و اخراج آن‌ها را فراهم آورده است. ما ضمن دفاع از حقوق کارگران افغان و اعلام همبستگی با آنان، کارزار تبلیغاتی علیه آن‌ها را محکوم می‌کنیم و خواهان برخورداری کارگران افغان از حقوق مساوی با کارگران ایران هستیم.



# قوه قضائیه یا شبکه توطئه و سرکوب

عبدالکریم لاهیجی

رئیس جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، نایب رئیس فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر



دیدهبانی حمایت از مدافعان حقوق بشر، مرکب از فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر و سازمان جهانی مبارزه با شکنجه، به انتشار دومین فراخوان فوری خود درباره محاکمه آقای ناصر زرافشان، که قرار است روز ۱۲ آبان در دادگاه نظامی آغاز گردد، دست‌یازید.



در نخستین فراخوان فوری این سازمان که در تاریخ ۱۵ اکتبر گذشته (۲۳ مهرماه) انتشار یافت، با استناد به آخرین گزارش جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، چنین آمده بود: محاکمه آقای ناصر زرافشان وکیل خانم سیماپوینده، همسر محمد جعفر پوینده نویسنده و مدافع حقوق بشر که در دسامبر ۱۹۹۸ توسط ماموران وزارت اطلاعات به قتل رسید، در روز ۱۶ اکتبر در دادگاه نظامی تهرآن آغاز خواهد شد. ناصر زرافشان که متهم به افشای اسرار مربوط به قتل‌های سیاسی است، در ۹ دسامبر ۲۰۰۰ دستگیر شد و پس از چندی به قید وثیقه آزاد گردید.

«دستگیری زرافشان متعاقب انتشار مقاله‌ای در روزنامه جمهوری اسلامی که به رهبر جمهوری اسلامی تعلق دارد و در آن از ناصر زرافشان به عنوان وکیلی ضد انقلابی که بایستی از وکالت محروم شود یاد شده بود، صورت گرفت.

«پس از بازداشت وی محاکمه عاملان قتل‌های سیاسی در یک دادگاه نظامی به طور غیر علنی، برگزار شد و بدون اینکه آمران قتل‌های سیاسی مورد پیگرد قرار گیرند، عاملان آن جنایات محکوم شدند. آقای زرافشان همچون دیگر وکلای مدعیان خصوصی و خانواده‌های کشته‌شدگان به عنوان اعتراض به چگونگی برگزاری این محاکمه غیر قانونی، از شرکت در جلسات محاکمه خودداری کردند.» در آن فراخوان همچنین آمده بود که «این محاکمه در روزهای صورت می‌گیرد که مدافعان حقوق بشر به جرم عقیده و بیان یکی پس از دیگری به زندان محکوم میشوند. خانم فاطمه گورابایی روزنامه‌نگار آزادیخواه به ۶ ماه حبس و ۵۰ ضربه شلاق و آقای خسرو کردپور از فعالان جناح اصلاح طلب در پی یک محاکمه غیبی توسط دادگاه انقلاب شهر کرد به ۸ سال حبس محکوم شده‌اند....»

«دید، بانی حمایت از مدافعان حقوق بشر در فراخوان اخیر خود، از سازمانهای دفاع از حقوق بشر خواسته است که با ارسال نامه از مقامات جمهوری اسلامی بخواهند که:

- استقلال دادگاه و عادلانه بودن محاکمه آقای زرافشان را تضمین کنند؛
- آقای کردپور را که در بازداشت غیرقانونی به سر می‌برد آزاد نمایند؛
- مفاد اعلامیه مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۸ مجمع عمومی سازمان ملل مبنی بر دفاع از مدافعان حقوق بشر به ویژه ماده ۱ آنرا که به موجب آن هرکس حق دارد که به صورت فردی یا جمعی، در راستای تحق و رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی در سطح ملی و بین‌المللی به فعالیت بپردازد، رعایت کنند؛
- وبه طور کلی اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر مقررات بین‌المللی حقوق بشر را که کشور ایران متعهد آنست، مورد رعایت قرار دهند.» اما ایجاد تجاسر و تجاوز و گستاخی و خودکامگی قوه قضائیه به مقررات بین‌المللی حقوق بشر محدود نمیشوند. قوه قضائیه به قوانین ساخته و پرداخته جمهوری اسلامی و در صدر آنها قانون اساسی هم تمکین نمی‌ورزد و هنگامی که رئیس جمهور در اجرای اصل ۱۱۲ قانون اساسی که «مسئولیت اجرای قانون اساسی» را به وی محول نموده، موارد نقض قانون اساسی را به رئیس قوه قضائیه یادآور میشود، وی به این سفسطه دست می‌یازد که

## نخستین گردهمایی سراسری وکلای دادگستری

قطعه‌نامه گردهمایی سراسری وکلای دادگستری پنج‌شنبه ۱۷ آبان ۱۳۸۰ نخستین گردهمایی سراسری وکلای دادگستری ایران دیروز با حضور نمایندگان از قوه قضائیه، مسوولان اجرایی و وکلای دادگستری در تالار ابوریحان دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد. به گزارش خبرنگار حقوقی «اینا» در این همایش موضوعات استقلال و شان قاضی، استقلال و شان کانون وکلا و انتظارات مردم، نارساییهای نظام قضایی و ضرورت الزامی شدن وکالت مورد بحث و بررسی قرار گرفت. دکتر تمدن، از اعضای کانون وکلای دادگستری، که اداره این همایش به عهده داشت، در ابتدای برنامه، انگیزه برپایی همایش را علاوه بر تبادل نظر و آرای حقوقدانان کشور، آشنایی با معارف حقوقی جدید ذکر کرد. قطعه‌نامه گردهمایی سراسری وکلای دادگستری در پایان گردهمایی سراسری وکلای دادگستری جمهوری اسلامی ایران شرکت‌کنندگان در خصوص مواردی توافق کردند و آن را به عنوان قطعه‌نامه پایانی همایش ثبت کردند. به گزارش گروه دریافت خبر ایسا به نقل از روابط عمومی کانون وکلا اصول زیر مواردی هستند که مورد توافق شرکت‌کنندگان در این همایش قرار گرفتند:

- ۱- اجرای اصول قانون اساسی و برخورداری مردم از حقوق مقرر در آن ۲- رعایت کامل اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و سایر مصوبات مجمع بین‌المللی مربوط به آنها که دولت ایران آنها را پذیرفته و به اجرای آنها متعهد است ۳- حفظ استقلال قوه قضائیه و قاضی و عدم تداخل امر قضا با سیاست ۴- گسترش همکاری میان کانونهای وکلای دادگستری و قوه قضائیه ۵- حفظ استقلال کانونهای وکلای دادگستری به شرحی که در میثاقهای بین‌المللی و قانون استقلال کانون وکلا و ماده ۲۴ اصول بنیادی مربوط به نقش وکلای دادگستری مصوب سپتامبر ۱۹۹۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مندرج است و منع هر گونه مداخله قوای سه‌گانه در امور کانونها و تطبیق کلیه قوانین با این امر ۶- حفظ حرکت حق دفاع و رعایت این حق با عموم و اطلاقی که در اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است ۷- حمایت از وکلای دادگستری در محاکم و مراجع قضایی و کلیه مراجعی که جهت انجام وظایف قانونی به آنها مراجعه می‌کنند ۸- حمایت همه جانبه از وکلای جوان ۹- توسعه و تکمیل روشهای نظارتی در کانونهای وکلای دادگستری به منظور حسن اجرای قوانین وکالت ۱۰- توجه خاص به تعالی علمی و معنوی قضات و وکلای دادگستری ۱۱- توسعه کمی و کیفی خدمات وکالتی معاضدتی و تسخیری در راستای تسهیل دستیابی عامه مردم به خدمات حقوقی و وکالتی ۱۲- الزامی شدن دخالت وکیل در دعوی به منظور تسریع رسیدگی و احقاق حق و کاستن از حجم کار دادگاهها ۱۳- هماهنگ شدن دستگاه قضایی با پیشرفتهای علمی و فنی و اجتماعی جهانی ۱۴- تقویت و توسعه روشهای قانونی نظارت و بازرسی در دادگاهها و واحدهای اداری تابع آنها به منظور وصول به بهره‌وری و کارایی بیشتر ۱۵- توجه خاص به امور رفاهی و معیشت قضات و کارمندان دادگستری ۱۶- مبارزه با بیکاری و بنیادین با فساد اداری و مالی با توجه به تأثیرات نامطلوب این پدیده‌های ناهنجار ۱۷- انطباق روشهای آموزش علم حقوق با معیارهای علمی و فنی شناخته شده جهانی و رعایت حداقلهای لازم از جهت استاد و منابع مطالعه - تمییزات آموزشی در این امر و الزام قانونی موسسات آموزشی موجود به تطبیق خود با معیارهای مذکور ۱۸- وجود ارتباط مستمر و فعال بین وکلا و حقوقدانان جهان به منظور اشاعه و تضمین صلح جهانی و امحای هر نوع پیش‌دواری و تعصب و تبعیض و توسعه حاکمیت خرد و خردورزی در جهان.

شده‌اند.

- ۲- باناتمام ماندن طرح «قتل‌های درمانی» به منظور مقابله با «تجاوز فرهنگی به قصد براندازی» و پی‌گیری جنایات باند سعید امامی توسط روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران مستقل به منظور شناسایی آمران قتل‌های سیاسی به ویژه صادرکنندگان احکام شرعی قتل‌ها در دوران وزارت فلاحیان و پس از آن، همفکران و همراهان و همکاران پیشین فلاحیان (از جمله فارغ التحصیلان مدرسه حقانی) که در نهادهای گوناگون امنیتی قضایی و نهادهای روزنامه‌های وابسته به رهبری جای گرفته بودند، چاره را در آن دیدند که از یکسو پرونده قتل‌های سیاسی را مدفون سازند و از سوی دیگر برنامه «حذف قانونی» را جایگزین «حذف جسمانی» نمایند. طرح اصلاح قانون مطبوعات در آخرین روزهای عجم مجلس پنجم، در این راستا از تصویب گذشت. اما با شکست مافیای سیاسی اقتصادی در انتخابات مجلس قانونگذاری ششم و کوتاه شدن دست آنان از گروه مبتنی، قوه قضائیه به مرکز و پایگاه توطئه و سرکوب روزنامه‌نگاران و آزادیخواهان و اصلاح‌گرایان به گونهای مستمر و سیستماتیک درآمد. در چنین زمینهای بود که پرونده‌سازی و جرم تراشی و بازداشت‌های خودسرانه و غیرقانونی و محکومیت‌های جنایی به دست‌اندرکاران همچون «کنفرانس برلن»، «پرونده نوارسان» و در نهایت «براندازی قانونی» توسط مراجع گوناگون قضایی (دادگاههای انقلاب، دادگاه ویژه روحانیت و دادگاههای دادگستری) آغازید و طی یکسال و نیم گذشته تداوم و تزیاید یافت. هیچ یک از اصول قانون اساسی ناظر بر بازداشت و محاکمه، درباره دستگیرشدگان و محکومان مورد رعایت قرار نگرفت. اعتراضات و شکایات‌های زندانیان سیاسی و عقیدتی و خانواده‌های آنان به جایی نرسید. طرفه اینکه قوه قضائیه حتی در برابر کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی هم خود را جوابگو ندانست و از آن کمیسیون خواست که از مکاتبه با قوه قضائیه خودداری کند! کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی هم در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۸۰ گزارش خود درباره شکایات‌های رسیده به آن کمیسیون «نسبت به طرز کار دستگاه قضایی» را انتشار داد. در این گزارش پس از بیان شکایات‌هایی که از سوی آقایان لطیف صفری، عزت‌الله سبحانی، علی افشاری، رضاعلیجانی، محمد بسته‌نگار، مسعود پدرام، حبیب‌الله پیمان، علیرضا رجایی، تقی رحمانی، حسن رفیعی، رضا رئیس طوسی، محمود عمرانی، مرتضی کاظمیان، سعید مدنی، محمد محمدی اردهالی، محمد ملکی، حسن یوسفی اشکوری، طاهر احمدزاده، محمدارضا، مرتضی اشراقی، ابوالفضل بازرگان، محمدحسین بنی‌اسدی، محمد توسلی جتعی، احد رضایی، جمال زره ساز، محمدابراهیم زمانی، علی‌اکبر سرجمعی، هاشم صباغیان، جعفر عباس زادگان، حامد علوی، علی اصغر غروی، غفار فرزندی، مصطفی مسکین، غلامرضا مسموعی، جمشید و خسرو منصوریان، محمد نسیم‌پور، هادی هادی‌زاده، هدی رضازاده صابر، حمیدرضا جلالی‌پور، رفوف طاهری، محسن رهامی، فریبا سادات داودی مهاجر، سعید مستظری، محمد جواد اکبرین... به کمیسیون اصل ۹۰ تسلیم شده به صراحت آمده است که «در کلیه پرونده‌های مورد اشاره تخلفات عدیده‌ای در خصوص روال بازداشت افراد، نحوه بازجویی‌ها، نحوه احضار و

محاکمه، نحوه نگهداری متهمین و نگهداری افراد در سلول‌های انفرادی، عدم اجازه ملاقات زندانی با خانواده، عدم امکان گرفتن وکیل و عدم امکان ملاقات متهمین با وکلا که قطعاً اختیار قاضی در این جهت نامحدود نمی‌باشد و اطلاع دادرسی علی‌رغم در بند بودن متهم و در مجموع عدم رعایت دقیق موازین و آئین دادرسی و عدم توجه به قانون مطبوعات و تواتر و تکرار آن در موارد عدیده و در نهایت عدم رعایت اصول ۳۲، ۳۳، ۳۷، ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی از مصادیق روشن طرز کار قوه قضائیه از نظر کمیسیون تشخیص داده شده» است.

۳- استنکاف قوه قضائیه از ارسال پاسخ «کافی و مستند» به کمیسیون اصل ۹۰ مشمول قانون الحاق یک تبصره به ماده واحده مصوب ۱۳۶۴/۲/۱۰ و مستوجب «مجازات حبس از سه ماه تا یکسال و انفصال از خدمات دولتی از ۶ ماه تا یکسال» می‌باشد.

به‌علاوه به موجب ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی «هریک از مقامات و مامورین دولتی که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

در ماده ۵۷۵ همان قانون هم می‌خوانیم که «هرگاه مقامات قضایی یا دیگر مامورین ذصلاح برخلاف قانون توقيف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند، به انفصال دائم از سمت قضائی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد.»

اما قضات و ماموران متخلف و متجاوز به حقوق و آزادیهای مردم همچنان در مقام و مسند خود ایفا شده‌اند و مورد حمایت رئیس قوه قضائیه قرار گرفته و می‌گیرند. خانواده‌های برخی از زندانیان مشهور به ملی مذهبی در آخرین نامه خود خطاب به معاون قوه قضائیه به وی یادآور میشوند که در جریان ملاقات با او در تاریخ ۱۷ مهر ماه گذشته، از آنان دو هفته مهلت می‌خواهد «تا با آقای شاهرودی صحبت نموده و نمایندگانی و ناظرانی را جهت بررسی وضعیت و محل نگهداری بازداشت‌شدگان و منشا انتخاب و نحوه عمل ضابطین خارج از کنترل قوه قضائیه تعیین» نماید. سپس اضافه می‌کنند که «اینک قریب چهار هفته از این ماجرا و عهدی به انجام می‌گذرد و ما هیچ پاسخی از جانب شما دریافت نکرده‌ایم. آیا شما نیز به خیل مسئولین قضائی که خویش رانتها به مافوق پاسخگو می‌دانند، پیوسته‌اید؟»

و این گفته عین واقعیت است. علیرزاده‌ها، مبشری‌ها، مرتضی‌ها... خود را تنها و تنها در

برابر رئیس قوه قضائیه مسئول می‌دانند که حق «عزل و نصب آنها» را دارد (اصل ۱۵۸) و رئیس قوه قضائیه هم مامور اجرای سیاست است که رهبر جمهوری اسلامی (مافوق و متعصب‌کننده وی) با تاییدهای ضمنی و صریح خود بر آن صحنه گذارده‌است. از اینرو در تجویز بستن روزنامه‌ها گفت که «آنها دل رهبر را به درد آورده‌بوند» (نقل به مضمون).

در چنین زمینهای است که رئیس انتصابی قوه قضائیه نه خود را در قبال مجلس قانونگذاری منتخب مردم پاسخگو می‌داند و نه به تذکر رئیس جمهور منتخب مردم در رعایت قانون اساسی و قعی می‌گذارد. رهبر هم که به حکم اصل ۱۱۰ قانون اساسی عهده دار «حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه» است، همواره و از جمله در سخنرانی اخیر خود در اصفهان، جانب قوه قضائیه را می‌گیرد و تضعیف آنرا گناه می‌شمارد!

۴- و شمشیر داموکلس قوه قضائیه همچنان بر فراز فرق مردمان آویخته است. اگر ناصر زرافشان پس از اعلام خبر نقض حکم دادگاه نظامی در دیوان کشور در رسانه‌های خبری، کلامی بر زبان جاری کند و به عنوان وکیل خانواده‌های دوتن از مقتولان درخواست نماید که رای دیوان کشور حداقل به مدعیان خصوصی ابلاغ شود، در آستانه سومین سالگرد جنایات ماموران وزارت اطلاعات، به اتهام «افشای اطلاعات طبقه‌بندی شده، تبلیغات علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، نگهداری مشروبات الکلی در منزل و محل کار و نگهداری غیر مجاز یک قبضه سلاح و تعدادی فشنگ»، به دادگاه نظامی فراخوانده میشود، همچنانکه هنگام آغاز محاکمه در دادگاه نظامی هم در سلول انفرادی بازداشت بود. جالب است که شاکي زرافشان، سازمان قضایی نیروهای مسلح است ولی او را برای محاکمه هم به دادگاه نظامی فراخوانده‌اند. به صراحت اصل ۱۷۲ قانون اساسی دادگاه نظامی «برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضا ارتش، ژنرالمری، شهرداری و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» تشکیل شده‌اند. ناصر زرافشان وکیل دادگستری است و برخی از اتهامات انتسابی به وی سیاسی است و برخی عمومی و در هر دو صورت دادگاه‌های عمومی صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به این اتهامات را دارند و نه دادگاه نظامی.

در قبال دادخواهی‌ها و شکایات‌های پایانی خانواده‌های زندانیان سیاسی موسوم به ملی - مذهبی و علیرغم اینکه در رسانه‌های خبری اعلام نموده‌اند که محاکمه آنان روز ۲۰ آبانماه آینده آغاز خواهد شد، آقای عزت‌الله سبحانی، با متجاوز از ۷۰ سال سن و با قلب جراحی شده و ادامه در صفحه ۱۱













### فرم درخواست اشتراک

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک: \_\_\_\_\_  
مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ: \_\_\_\_\_

نام: \_\_\_\_\_ نشانی: \_\_\_\_\_

آدرس: \_\_\_\_\_

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر) به آدرس: [kar-aksaryat@gmx.de](mailto:kar-aksaryat@gmx.de) بپست کنید!

## نیروهای جبهه متحد وارد کابل شدند



**نیروهای جبهه متحد وارد کابل شدند**  
از شامگاه جمعه که مزار شریف از تصرف نیروهای طالبان خارج شد، راهپای تدارکاتی زیادی به دست نیروهای جبهه متحد افتاده و آنها به سرعت تانکها و سایر تجهیزات خود را به مناطق نزدیک کابل منتقل کردند.

**سازمان ملل کالسه را نمی‌راند!**  
پنجدهوشمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل پس از ۱۱ سپتامبر با یک ماه و نیم تاخیر آغاز بکار کرد. دو موضوع اصلی که بحث عمومی امسال را به خود اختصاص داد، مبارزه با تروریسم و آینده افغانستان است.

روز سه‌شنبه وقتی مردم کابل از خواب برخاستند کابوس جرج بوش رئیس‌جمهور آمریکا در یک مصاحبه مطبوعاتی مشترک با پرویز مشرف گفت: اکنون «دوستان ما» در جبهه متحد از پیشروی بسوی کابل باید خودداری کنند. بوش تاکید کرد همه اقوام باید در آینده سیاسی افغانستان سهیم باشند و شهر کابل در این امر بسیار مهم است و ما تمایل نداریم کابل در کنترل تنها یک گروه باشیم. هنوز معلوم نیست که آیا ورود این نیروها به کابل با توافق آمریکا انجام گرفته است یا خیر؟ جرج بوش در این مصاحبه همچنین از نقش سازنده پاکستان در ائتلاف بین‌المللی ضد تروریسم قدرتمندی کرد و قول

است مسدود شد. صبح روز سه‌شنبه نیروهای ائتلاف شمال به حوالی کابل رسیدند.

**وضعیت پاکستان:**  
پرویز مشرف برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل و ملاقات با جرج بوش در آمریکا برمی‌گردد. از سوی دیگر نیروهای نظامی با دستگیری‌های وسیع نیروهای اسلامیست سعی در کنترل و آرام کردن اوضاع دارند. هفته گذشته ده تن از روحانیون عضو گروه‌های مذهبی بازداشت و به زندان «آدیلا» در شهر راولپنڈی منتقل شدند. شورای دفاع از افغانستان و پاکستان که متشکل از ۳۵ گروه مذهبی است با برگزاری راهپیمایی و اعتصاب و درگیری با نیروهای نظامی در سراسر این کشور مخالفت خود با حمله آمریکا به طالبان و همکاری دولت اسلام‌آباد با آمریکا را اعلام کرده. طبق گزارش‌های واصله از پاکستان بیش از ۵ هزار نفر که پیشتر آنها پاکستانی و برخی از آنها عرب هستند از طریق مرزهای تنگهار، قندهار، کونر، بکتیا، و پکتیکا عبور کرده و برای جنگ در افغانستان به طالبان پیوسته‌اند.

## سیاست خارجی و امنیتی روسیه

برگردان: محمود صالحی

مقدمه: ماه آوریل سال جاری «انستیتیوی مستقل برای مسائل اجتماعی و ملی» (RISINP) همراه با «بنیاد فریدریش ابرت» آلمان، شعبه مسکو هم‌پرسی از ائتلاف سیاسی روسیه در مورد سیاست خارجی این کشور انجام داد.

این سومین هم‌پرسی پس از سال‌های ۹۳ و ۹۶ است که اقتضای وسیع‌تری از ائتلاف سیاسی روسیه را دربر می‌گیرد. ۲۹/۵٪ از سؤال‌شوندگان عضو دوما و کمیسیون‌های فدرالیون و کمیسیون‌های بین‌المللی آن، ۳٪ عضو شورای روسیه و ۲۵/۶٪ کارمندان عالی‌رتبه و متخصصان امور بین‌المللی، ۲۰/۵٪ تحلیل‌گران غیر

تأثیری نداشته است. احزاب تأثیری در سیاست خارجی روسیه ندارند و این بخش از سیاست روسیه سنتاً در حیطه رئیس‌جمهور قرار دارد و بالاخره در هیچ‌یک از احزاب روسی برنامه و نظرات فرموله شده در مورد سیاست خارجی وجود ندارد.

۱- تغییرات در سیاست خارجی روسیه  
از آغاز دهه ۹۰ تغییراتی در سیاست خارجی روسیه وجود آمده است. ۴۵/۲٪ از سؤال‌شوندگان آن را ملموس می‌بینند و این تغییرات را مثبت ارزیابی می‌کنند، ۳۱/۹٪ این تغییرات را منفی ارزیابی می‌کنند. در این میان ۸۰٪ از اعضای حزب لیبرال تغییرات در سیاست خارجی نسبت به گذشته را مثبت ارزیابی می‌کنند و ۷۲٪ از اعضای KPRF نسبت به تغییرات بدبین هستند. بیش از ۳۴٪ معتقدند که استغفای یلتسین و انتخاب پوتین آغازگر این تغییرات بوده است. ۲۴٪ انتخابات

## بازیچه دست قدرت‌ها

برگردان: محمود صالحی

اشاره: هفته‌نامه «دی‌تسایت» چاپ آلمان مصاحبه‌ای را با آقای دکتر رتین دادفر - سینما‌سختگوی «ائتلاف برای دموکراسی در افغانستان» انجام داده است.  
آقای دکتر دادفر متخصص مسائل توسعه است و در دانشگاه شهر آخن در رشته علوم سیاسی تدریس می‌کند.

دی‌تسایت: اگر ائتلاف شمال با کمک آمریکا قدرت را بدست بگیرد، آیا یک چرخش دمکراتیک در افغانستان صورت می‌گیرد؟

دکتر دادفر: نه، ائتلاف شمال متشکل از گروه‌هایی است که دشمنی دیرینه با هم دارند. مهم‌ترین نیروهای آن اسلامیستی و قومی هستند. آنها هیچگاه از ایدئولوژی خود فاصله نگرفته‌اند. البته این هم درست است که برخی از شخصیت‌ها در این ائتلاف از گذشته خود انتقاد کرده‌اند، اما آنها بسیار ضعیف هستند. فقط احمد شاه مسعود در سخنرانی خود در استراسبورگ به روشنی از دمکراسی سخن گفت. البته این رهبر کارپسما تیک پقتل رسید و الان اسلامیست‌ها به رهبری ربانی دست‌بالا را دارند.

دی‌تسایت: چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
علاقه بر آن ۳۰۰ هزار نفر از روشنفکران افغانی در اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند. اگر حتی بخش کوچکی از این نیرو هم به کشور بازگردد، سنت‌های دمکراتیک عمیقی را با خود بیاورد. سیاست غرب در افغانستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
علاقه بر آن ۳۰۰ هزار نفر از روشنفکران افغانی در اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند. اگر حتی بخش کوچکی از این نیرو هم به کشور بازگردد، سنت‌های دمکراتیک عمیقی را با خود بیاورد. سیاست غرب در افغانستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دی‌تسایت: چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
علاقه بر آن ۳۰۰ هزار نفر از روشنفکران افغانی در اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند. اگر حتی بخش کوچکی از این نیرو هم به کشور بازگردد، سنت‌های دمکراتیک عمیقی را با خود بیاورد. سیاست غرب در افغانستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
علاقه بر آن ۳۰۰ هزار نفر از روشنفکران افغانی در اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند. اگر حتی بخش کوچکی از این نیرو هم به کشور بازگردد، سنت‌های دمکراتیک عمیقی را با خود بیاورد. سیاست غرب در افغانستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

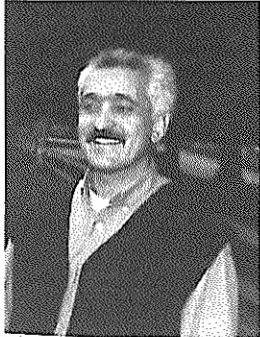
دی‌تسایت: اگر ائتلاف شمال با کمک آمریکا قدرت را بدست بگیرد، آیا یک چرخش دمکراتیک در افغانستان صورت می‌گیرد؟

دکتر دادفر: نه، ائتلاف شمال متشکل از گروه‌هایی است که دشمنی دیرینه با هم دارند. مهم‌ترین نیروهای آن اسلامیستی و قومی هستند. آنها هیچگاه از ایدئولوژی خود فاصله نگرفته‌اند. البته این هم درست است که برخی از شخصیت‌ها در این ائتلاف از گذشته خود انتقاد کرده‌اند، اما آنها بسیار ضعیف هستند. فقط احمد شاه مسعود در سخنرانی خود در استراسبورگ به روشنی از دمکراسی سخن گفت. البته این رهبر کارپسما تیک پقتل رسید و الان اسلامیست‌ها به رهبری ربانی دست‌بالا را دارند.

دی‌تسایت: چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
علاقه بر آن ۳۰۰ هزار نفر از روشنفکران افغانی در اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند. اگر حتی بخش کوچکی از این نیرو هم به کشور بازگردد، سنت‌های دمکراتیک عمیقی را با خود بیاورد. سیاست غرب در افغانستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
علاقه بر آن ۳۰۰ هزار نفر از روشنفکران افغانی در اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند. اگر حتی بخش کوچکی از این نیرو هم به کشور بازگردد، سنت‌های دمکراتیک عمیقی را با خود بیاورد. سیاست غرب در افغانستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دی‌تسایت: چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
علاقه بر آن ۳۰۰ هزار نفر از روشنفکران افغانی در اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند. اگر حتی بخش کوچکی از این نیرو هم به کشور بازگردد، سنت‌های دمکراتیک عمیقی را با خود بیاورد. سیاست غرب در افغانستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
علاقه بر آن ۳۰۰ هزار نفر از روشنفکران افغانی در اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند. اگر حتی بخش کوچکی از این نیرو هم به کشور بازگردد، سنت‌های دمکراتیک عمیقی را با خود بیاورد. سیاست غرب در افغانستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دی‌تسایت: چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
علاقه بر آن ۳۰۰ هزار نفر از روشنفکران افغانی در اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند. اگر حتی بخش کوچکی از این نیرو هم به کشور بازگردد، سنت‌های دمکراتیک عمیقی را با خود بیاورد. سیاست غرب در افغانستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
علاقه بر آن ۳۰۰ هزار نفر از روشنفکران افغانی در اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند. اگر حتی بخش کوچکی از این نیرو هم به کشور بازگردد، سنت‌های دمکراتیک عمیقی را با خود بیاورد. سیاست غرب در افغانستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟



دی‌تسایت: چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
علاقه بر آن ۳۰۰ هزار نفر از روشنفکران افغانی در اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند. اگر حتی بخش کوچکی از این نیرو هم به کشور بازگردد، سنت‌های دمکراتیک عمیقی را با خود بیاورد. سیاست غرب در افغانستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
علاقه بر آن ۳۰۰ هزار نفر از روشنفکران افغانی در اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند. اگر حتی بخش کوچکی از این نیرو هم به کشور بازگردد، سنت‌های دمکراتیک عمیقی را با خود بیاورد. سیاست غرب در افغانستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
علاقه بر آن ۳۰۰ هزار نفر از روشنفکران افغانی در اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند. اگر حتی بخش کوچکی از این نیرو هم به کشور بازگردد، سنت‌های دمکراتیک عمیقی را با خود بیاورد. سیاست غرب در افغانستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟